



معنویت و تبلیغ دینی

در منظومه فکری قائد شهید

حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته الله علیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی تبلیغی و رسانه‌ای نوین
گروه تولید محتوا

معنویت و تبلیغ دینی

در منظومه فکری قائد شهید

حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته الله علیه

به کوشش:

گروه تولید محتوا

اداره کل مطالعات فرهنگی و تبلیغی

معاونت فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌های نوین

تألیف:

جمعی از نویسندگان

صفحه‌آرا:

اکبر اسماعیل پور

مقالات این کتاب قبلاً در سامانه‌های ذیل منتشر شده است:

<https://rahtoosheh.dte.ir>

<https://ijp.dte.ir>

فهرست مطالب

بخش اول: معنویت، تربیت و اخلاق

- معنویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام ۵
- میراث معنوی امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام ۲۵
- تحلیل راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای علیه السلام ۴۵

بخش دوم: تبلیغ دینی

- بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام ۷۳
- نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری علیه السلام ۱۰۷



بخش اول: معنویت، تربیت و اخلاق

معنویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته‌الله

دکتر احمد شاکرنژاد*

اشاره

واژه معنویت در ادب فارسی از دیرباز وجود داشته است، اما معنویت به عنوان یک اصطلاح واژه‌ای نوپدید است. هر چند امروزه تعاریف غیردینی از این اصطلاح رواج بیشتری یافته است، اما با توجه به بیانات رهبری رحمته‌الله می‌توان شاهد آن بود که ایشان از واژه معنویت عبور کرده و اصطلاح معنویت را بر اساس سنت اسلامی تعریف و مفهوم‌سازی کرده است. هر چند معنویت در معنای واژگانی خود در مقابل مادیت است، اما اصطلاح معنویت چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله آن را به کار می‌گیرد، توأمان با مادیت است و نه در تقابل آن. نوشتار حاضر درصدد

است چگونگی ورود مقام معظم رهبری علیه السلام در عرصه مطالعات معنویت بر اساس مبانی نظری و عملی امام خمینی علیه السلام و با توجه به معارف قرآن و روایات استفاده از معنویت به عنوان یک اصطلاح جدید در منظومه فکری ایشان را بیان کند.

معنویت از دیدگاه رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، معنویت «رابطه و اتصال قلبی با خداوند» است^۱ و زمانی به دست می‌آید که «انسان در درون، در دل، در باطن با خدای متعال انس پیدا کرد».^۲ آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام مراتب والای این نوع ارتباط با خداوند را چنین تبیین می‌کند: «مجذوب شدن در مقابل لطف الهی»^۳ و ریشه حدوث معنویت را در «ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و

۱. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو، ۱۳۶۹/۰۱/۰۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2282>

۲. بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سوّمین جشنواره سراسری علمی فرهنگی اعتکاف، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26347>

۳. بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9218>

پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها» نهفته می‌داند.^۱ در بیانیه گام دوم نیز معنویت را چنین تعریف می‌کند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان درخود جامعه است».^۲

نویسنده مقاله «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی (بر اساس بیانات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای)»، با کاوش در شبکه مضامین بیان شده توسط رهبری^{علیه‌السلام} برای مفهوم معنویت به این نکته توجه کرده است که معنویت در اندیشه ایشان، ارتباطی زنده با خداوند است که همراه استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و تمدن‌سازی باشد.^۳ به عبارت دیگر بر اساس دیدگاه رهبری^{علیه‌السلام}، معنویت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «معنویت یعنی ارتباط زنده با یک امر قدسی در زندگی روزمره، اما معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی عبارت است از همین ارتباط

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>

۲. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۳. احمد شاکرنژاد، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی (بر اساس بیانات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای)»، نشریه مطالعات معنوی، ص ۱۴۴.

زنده و زیست با یک امر قدسی در زندگی روزمره که چند ویژگی پیدا می‌کند: استکبارستیز است، عدالت‌خواه است، تمدن‌ساز است». به عبارت دیگر معنویت از دیگاه ایشان زیست با امر قدسی را به شکل فردی نمی‌طلبد؛ بلکه می‌خواهد به شکل جمعی در یک گستره وسیع اجتماعی و در یک گستره وسیع تاریخی تمدنی آن را پیاده کند که همگان بتوانند طعم این ارتباط زنده با خداوند را بچشند. بنابراین معنویت در بیانات رهبری علیه السلام همان «عرفان» مصطلح نیست. همچنین در این بیانات منظور از معنویت، مساوی با هرنوع دینداری نیز نیست؛ بلکه نوعی از دینداری است.

اکنون سؤال این است که چنین نوعی از دینداری چه ویژگی‌هایی دارد؟ از دیدگاه رهبری علیه السلام آن نوع دینداری که در آن انسان با امر مقدس ارتباط زنده برقرار می‌کند و در بطن زندگی روزمره‌اش و در چارچوب عقلانی که مبتنی بر عرف قرآنی و سیره اهل بیت علیهم السلام است، پیگیری می‌شود؛ باید در بستر حکومت اسلامی رخ دهد؛ زیرا در این نوع دینداری مبارزه با استکبار، رفع بی‌عدالتی و از همه مهم‌تر بسترسازی برای جامعه مهدوی اهمیت بسیار دارد.

پس می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: «ارتباط زنده با امر قدسی در بطن زندگی روزمره و در چارچوب عقلانی در سطح فردی همراه با تقوا، عمل صالح و توکل و در سطح جمعی کمک همیاری و خصوصاً ایثار در راه مؤمنان و در سطح اجتماعی و تمدنی مبارزه با استکبار و بی‌عدالتی که همه این‌ها اولاً بر اساس قرآن کریم، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام و البته راه و منش ولایت قابل تبیین است».

رهبری رحمته‌الله در بیانیه گام دوم نیز نشان می‌دهند که این حرکت در گام اول آن خودجوش، فردی و جهادی پیش رفت، اما در گام دوم باید آگاهانه، نهادینه و سازمان‌یافته باشد. مجاهدت‌هایی که جوان‌ها در دفاع مقدس داشتند، رونق مساجد و فضاهای دینی، اعتکاف، جهاد سازندگی، حج و زیارت، کاروان راهیان نور و هیئت‌های مذهبی، پیاده‌روی اربعین و برخی ورزش‌های پهلوانی و ... مصادیق معنویت در گام اول جمهوری اسلامی هستند. این معنویت در گام دوم، در قالب ارزش‌هایی همچون اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه و در بطن ساختارهای نهاد اسلامی به عنوان روح همه فعالیت‌ها بروز می‌یابد که

جهش‌دهنده و جهت‌دهنده همه فعالیت‌ها باشد و باید تحقق پیدا کند. بنابراین معنویت از دیدگاه رهبری علیه السلام، نوعی از دینداری است که به روز، انقلابی و در لابه‌لای زندگی روزمره است و ارتباط زنده با امر مقدسی در آن جریان دارد.

مهم‌ترین مؤلفه «معنویت» در بیانات رهبری علیه السلام

مهم‌ترین مولفه معنویت به عنوان یک اصطلاح متمایز در بیانات رهبری علیه السلام را می‌توان توأمانی مادیت و معنویت دانست. به عبارت دیگر واژه معنویت - چنانکه در فرهنگ لغات فارسی آمده و در ادبیات پیشینیان به کار رفته است^۱ - در مقابل مادیت است و معنوی در مقابل ظاهری تعریف می‌شود، اما در بیانات رهبری علیه السلام این دو در کنار هم هستند و نه در مقابل هم. معنویت و مادیت و نیز باطن و ظاهر در هم تنیده‌اند و به شکل توأمان وجود دارند و باید در کنار هم مطالبه شوند. وجه اصطلاحی معنویت در بیانات رهبری علیه السلام از این نقطه شروع می‌شود و از معنای واژگانی آن فاصله می‌گیرد. این توأمانی یعنی

۱. احمد شاکرنژاد و مسعود تاره، تبیین معنویت در ادب فارسی، ص

به صحنه آوردن عرفان مهجور و عزلت‌نشین و توأمان ساختن آن با زندگی عموم مردم؛ دستاوردی که امام خمینی رحمته‌الله با پیروی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام آن را به ارمغان آورده بود، اما مقام معظم رهبری رحمته‌الله این دستاورد را ذیل اصطلاح «معنویت» به شکل منسجم مفهوم‌سازی کرد.

ایشان در تبیین جامعیت مکتب امام خمینی رحمته‌الله به همین توأمانی معنویت با مادیت، عدالت و عقلانیت - به عبارت دیگر، فراروی از دوگانه‌های کاذب - اشاره می‌کند. عدالت و عقلانیت نیز در اینجا دو مؤلفه از پیشرفت مادی است که امام خمینی رحمته‌الله آن دو را با معنویت همراه می‌کند:

مکتب امام رحمته‌الله یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی راه خود را پی نمی‌گرفت. اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود. به کمک الهی باور داشت. امید او به خدای متعال،

معنویت و تبلیغ دینی

امید پایان‌ناپذیری بود و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات در مکتب امام علیه السلام مورد ملاحظه بوده است. من نسبت به هر کدام چند جمله‌ای عرض خواهم کرد. بُعد سومی هم وجود دارد که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام علیه السلام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است؛ این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است و آن، بُعد عدالت است. این‌ها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند [و] به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام علیه السلام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه وجود متوجه به بُعد عدالت بود.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام معنویت، متضاد

۱. بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۹/۰۳/۱۴.

مادیت نیست؛ بلکه معنویت با غفلت در تضاد است:

یکی از عیوب حاکمیت دستگاه‌های سیاسی غیر دینی و غیر معنوی ... غفلت است. مردم از ارزش‌هایی که دم دست آن‌هاست و می‌توانند استفاده کنند، غافل می‌مانند. وقتی حاکمیت مسلط بر جامعه و محیط بر جامعه، یک حاکمیت معنوی بود، الهی بود، دینی بود، یک خاصیت طبیعی آن همین است که معنویات رواج پیدا می‌کند، جلوی چشم قرار می‌گیرد، دل‌ها به طرف آن جذب می‌شود. این، چیزی است که امروز اتفاق افتاده [است]. نه اینکه امروز گناه نیست، نه اینکه آدم بد وجود ندارد و آدم بی‌توجه و غافل وجود ندارد؛ چرا، لکن فرق است بین اینکه فضای عمومی جامعه، فضای معنوی باشد، معنویات به عنوان یک ارزش مطرح باشد در جامعه و اینکه معنویات بکلی مغفول^۱ عنه باشد یا ضد‌ارزش باشد^۱

از دیدگاه ایشان، معنویت با پیشرفت‌های مادی و

۱. بیانات در جمع خدمتگزاران مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹/۰۸/۰۶.

معنویت و تبلیغ دینی

علمی سازگار است. هر چند معنویت اساس کار است؛ یعنی شرافت با معنویت است، اما معنای آن جدایی امر مادی و معنوی نیست. ایشان در جمع نخبگان می‌فرماید:

معنویت منافات با پیشرفت‌های علمی و ابتکارات گوناگون علمی و عملی و شیوه‌های نو و سازماندهی‌های هوشمندانه ندارد. نه اینکه خیال کنیم وقتی چشم انسان به معنویت است، به ظواهر [نپردازد]؛ ... معنویت منافات ندارد با پرداختن به اصول مادی کار و تنظیم درست کار؛ بایستی این معنویت را حفظ کرد. این معنویت اساس کار است.^۱

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله در یک نگاه جامع‌نگر، دوگانه‌های کاذب بر سر راه پیشرفت و دستیابی به حیات طیبه را کنار می‌گذارد و در نظریه معنویت خود، جمع بین دوگانه‌های کاذب جهان معاصر را راهکار اساسی برای پیشرفت می‌داند:

۱. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۴/۰۷/۱۳۸۹.

معنویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته‌الله

معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه این‌هاست. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته زندگی انسان است. ... دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود.^۱

بنابراین در دیدگاه رهبری رحمته‌الله مادیت، یکی از دو بال حیات طیبه است. به عبارت دیگر معنویت از دیدگاه ایشان در مقابل مادیت نیست؛ بلکه مندمج در آن و توأمان با شئون زندگی روزمره است و این توأمانی، حیات طیبه را می‌سازد و هنگامی که حیات طیبه ساخته شود، عبودیت و خلافت هم در شکل ایده‌آل خود (جامعه مهدوی) تحقق می‌یابد. باطن و

۱. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰.

ظاهر نیز به همین شکل توأمان به حساب می‌آیند؛ یعنی وقتی باطن و درون افراد اصلاح می‌شود، بیرون آن‌ها نیز سامان می‌یابد: «وقتی انسان در درون، در دل، در باطن با خدای متعال انس پیدا کرد، در ظاهر او هم اثر می‌گذارد و در ظاهر هم نشان داده می‌شود».^۱

کیفیت توأمانی مادیت و معنویت

نظریات مختلفی درباره کیفیت توأمانی مادیت و معنویت می‌توان ارائه کرد. برای مثال معنویت‌گرایان نوظهور توأمانی مادیت و معنویت را با مثال انرژی توضیح می‌دهند. از نظر این جریان نوظهور عصر جدید،^۲ معنویت در دل امور مادی و دنیوی است؛ مانند الکتریسیته که در همه چیز وجود دارد. این قرائت حکایت از اعتقاد به حلول امر معنوی (ذات خداوند) در امور مادی دارد و با توحید ناسازگار

۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سومین جشنواره سراسری علمی فرهنگی اعتکاف، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26347>

2. New Age

است،^۱ اما در بیانات رهبری رحمته‌الله علیه، معنویت همان صبغه الهی و جهت‌گیری توحیدی در امور است و نه حلول ذات الهی در امور مادی. تمثیلی که ایشان برای تبیین این توأمانی مطرح می‌کنند، تمثیل باران است. این تمثیل در سخنانی‌های مربوط به رمضان، حج و نوروز در قالب صحبت از بهار معنویت و طراوت معنوی به میان آمده است:

معنویت خیلی مهم است... و مثل یک باران رحمتی است که بر یک بوستان متنوعی ببارد؛ هم حیات‌بخش بوستان است، هم طراوت‌بخش و جلوه‌بخش بوستان است. وقتی باران می‌بارد، صرفاً این نیست که زندگی می‌دهد به بخش‌های مختلف این بوستان؛ بلکه به آن زیبایی هم می‌دهد، جلوه هم می‌دهد، طراوت هم می‌دهد، آن را در چشم‌ها عزیز هم می‌کند؛ باران معنویت این [جور] است.^۲

از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه، معنویت مساوی با حضور و جنبه ظاهری این حضور، همان حضور

۱. احمد شاکرنژاد، «چیستی معنویت عصرجدید»، فصلنامه ره‌توشه، شماره ۱۳، بهار ۱۴۰۲، ص ۷۶ - ۶۳.

۲. بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۸۹/۰۷/۱۰.

اجتماعی است. حج نیز مظهر این توأمانی حضور مادی و معنوی به حساب می‌آید؛ زیرا در حج عالی‌ترین تجارب معنوی به شکل توأمان با زندگی و در حضور اجتماعی رخ می‌دهد:

حج یک فریضه بسیار مهمی است. شاید ما در بین فرایض مهم اسلامی مثل حج، فریضه‌ای دیگر نداریم. اولاً در این فریضه بزرگ و وسیع، ظرفیت‌های معنوی بسیاری وجود دارد که کسانی که دنبال ارتباط معنوی با حضرت حق (جل‌وعلا) هستند، دنبال معنویت و روحانیت و مانند این‌ها هستند، می‌توانند در گوشه و کنار این واجب و این فریضه بزرگ، امکانات فراوانی و ظرفیت عجیبی را پیدا کنند. از نماز و طواف و وقوف و سعی و خودِ احرام و از قطعه قطعه این واجب بزرگ و مرکب از اجزای گوناگون، معنویت می‌تراود، معنویت می‌بارد. اگر قدر بدانیم، اگر دنبال معنویت باشیم، ظرفیت حج از همه واجبات دیگر بیشتر است؛ این یک طرف قضیه. در عین حال یک ظرفیت بی‌نظیر اجتماعی هم در حج وجود دارد. ببینید، این از

خواص فرایض اسلامی است. اسلام این همه بر روی معنویت تکیه می‌کند، اما معنویت اسلامی به معنای انزوا و رهبانیت و گوشه‌گیری و جدایی و دوری از مردم نیست؛ همان واجب و فریضه‌ای که بیشترین ظرفیت معنویت را داراست، همان واجب و فریضه بیشترین ظرفیت حضور اجتماعی را هم داراست.^۱

در واقع چنین معنویتی که توأمان با مادیت است، همان معنویت تمدن‌ساز به حساب می‌آید: «در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی [است]؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است».^۲

مقام معظم رهبری رحمته‌الله در بیانی دیگر معنویت را یک بعد از همین زندگی دنیوی می‌داند. به بیان ایشان معنویت، همان بعد معناداری زندگی است:

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۶/۰۵/۰۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37254>

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42974>

معنویت و تبلیغ دینی

یک بُعد لطیف معناگرا در هر انسانی وجود دارد. خب انسان مجموعه ابعاد مختلف است؛ غرایز هست، امیال هست، نیازها هست؛ یک بُعد، بُعد معناگراست در هر انسانی، همه انسان‌ها. این بُعد، بُعد بسیار لطیفی است و در سنین جوانی لطافت این بُعد و شفافیتش بیشتر و زلال‌تر است. این بُعد را اگر ما آحاد بشر بتوانیم در خودمان تقویت کنیم، بقیه ابعاد ما را هدایت خواهد کرد؛ نه اینکه بُعد معنوی و معناگرا جلوی غرایز را، جلوی نیازها را، جلوی تعقل و خردورزی را بگیرد؛ نه، همه این‌ها به جای خود محفوظ است، این بُعد معنویت و معناگرایی در انسان همه این ابعاد دیگر را هدایت می‌کند، اگر در ما باقی بماند، اگر تقویت بشود. آدم‌های خبیثی که در دنیا مشاهده می‌کنید که یا ظالمند، یا سفاکند، یا پول‌پرستند، یا شهوت‌پرستند، یا شکم‌پرستند و ابعاد مادی بر وجود این‌ها غلبه کرده، این‌ها کسانی هستند که آن بُعد معناگرا را، معنویت‌گرا را در خودشان رشد ندادند، به

تدریج ضعیف شده و از بین رفته [است].^۱

نتیجه‌گیری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{رحمه‌الله} از معنای واژگانی معنویت فراتر رفته و اصطلاح معنویت را وضع کرده است. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که ایشان در تعریف و تبیین شاخصه‌های معنویت اسلامی بیان می‌کند، توأمانی مادیت و معنویت است. به عبارت دیگر در معنای واژگانی معنویت در مقابل مادیت است، اما در معنای اصطلاحی بر اساس تقریر مقام معظم رهبری^{رحمه‌الله} معنویت توأمان با مادیت است. البته کیفیت این توأمانی به‌گونه‌ای نیست که شائبه حلول و اتحاد را برانگیزد؛ بلکه رهبری با نگاه توحیدی و با ذکر مثال‌هایی مانند تمثیل «بارش باران» نشان دهد که معنویت، وجهی و جنبه‌ای است که بر زندگی دنیوی می‌بارد و به آن رنگ و صبغه الهی می‌بخشد. از دیدگاه ایشان غایت این معنویت، دستیابی به حیات طیبه و برپایی تمدن مهدوی است. یافته‌های این تحقیق را می‌توان به

۱. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۰۲/۰۱.

این شکل خلاصه کرد:

۱. معنویت یک بعد، جنبه و شأن زندگی است؛ نه چیزی جدا یا فرا یا فروتر از آن.
۲. معنویت، همان روح اعمال و روحیه افراد است که جهت آن، ارتباط و اتصال به خداوند است.
۳. متضاد معنویت غفلت است، نه مادیت.
۴. معنویت مثل باران است (باران معنویت) و به فعالیت‌های زندگی روزمره تازگی و طراوت می‌دهد. معنویت همان معناداری الهی است.
۵. معنویت توأمان با پیشرفت، علم و مادیت و عدالت است.

کتاب‌نامه

کتب و مقالات

۱. شاکرنژاد، احمد و مسعود تاره، تبیین معنویت در ادب فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت (وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، ۱۳۹۷ش.
۲. شاکرنژاد، احمد، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی بر اساس بیانات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای^(ع)»،

معنویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته‌الله

نشریه مطالعات معنوی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۶۶ - ۱۴۲.

۳. _____، «چیستی معنویت عصر جدید»، فصلنامه ره‌توشه، شماره ۱۴۲، بهار ۱۴۰۲، ص ۷۶ - ۶۳.

سایت

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای رحمته‌الله.

میراث معنوی امام شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید روستاآزاد*

اشاره

در میان شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران، شهید امام خامنه‌ای رحمته الله جایگاهی ویژه دارند. ایشان نه تنها در عرصه سیاست و جهاد، که در ساحت خلوت و نجوا با معبود، الگویی تمام‌نما بودند. میراث معنوی ایشان برخلاف آثار مادی، با مرگ نه تنها پایان نمی‌یابد، بلکه در سیره عملی شاگردان و دوست‌داران نظام اسلامی جاری و ساری می‌گردد و همچنان به مثابه منبعی زنده برای راهبری و هدایت دل‌ها عمل می‌کند. این میراث گران‌سنگ، ابعاد گوناگونی دارد که هر کدام می‌تواند برای مبلغین

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و معاون فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

دینی که در خط مقدم تبیین و تبلیغ دین قرار دارند، چراغ راه باشد. نوشتار پیش‌رو در پی آن است تا با کاوش در بیانات رهبر معظم شهید، برخی از میراث معنوی و ماندگار ایشان را تبیین کند. به این امید که مبلغان اسلامی با تمسک به این ذخیره ارزشمند، هم خود از آن میراث معنوی بهره‌مند شوند و هم در رسالت خطیر خود مؤثرتر ظاهر گردند.

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در طیف گسترده‌ای از بیانات خود، به‌صراحت و مکرر از مفهوم «میراث معنوی» سخن گفته‌اند؛ برای نمونه در پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله آصف‌محسنی، مجاهدت‌های ده‌هاساله آن عالم را زمینه‌ساز «برکات مستمر و ماندگاری» دانسته‌اند که «میراث ارزشمند معنوی» آن بزرگوار است.^۱ همچنین در دیدار مسئولان نظام در عید سعید فطر، ایشان این روز را «مایه گسترش میراث معنوی» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی می‌کنند و مهم‌ترین مشکل جهان اسلام را

1. <https://www.leader.ir/fa/content/23322>.

تفرقه و عدم اتحاد کلمه ارزیابی کرده‌اند.^۱ افزون بر این، در دیدار با حجت الاسلام ری شهری، با صراحت تمام فرموده‌اند: «حقیقت قضیه این است که حج متعلق به ماست. اصلاً حج میراث متقین است»؛ در ادامه، حج را «همان میراث حقیقی رسول اکرم صلی الله علیه و آله» نامیده‌اند.^۲ ایشان بیداری اسلامی و نهضت اسلامی را «میراث بزرگ امام راحل علیه السلام» و بزرگ‌ترین هدیه آن حضرت به تاریخ و دنیای اسلام دانسته‌اند^۳ و در دیدار با خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت سردار سلیمانی، سخن فرمانده سپاه که «میراث ماندگار و پرچم پرافتخار شهید سلیمانی» را پرچم مقاومت خوانده بود، تأیید کردند.^۴

ایشان در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای لرستان، با تأکید بر جریان‌سازی فکری و عملی، فرمودند: باید «از گذشته تاریخی خود استفاده کنیم و میراث گذشته را به نسل‌های کنونی منتقل کنیم» که نشان‌دهنده نگاه راهبردی ایشان به انتقال

1. <https://www.leader.ir/fa/speech/2651>.

2. <https://www.leader.ir/fa/speech/540>.

3. <https://www.leader.ir/fa/content/858>.

4. <https://www.leader.ir/fa/content/26223>.

سرمایه‌های معنوی به نسل آینده است.^۱

درمجموع، این عبارات متعدد و صریح که در مناسبت‌های گوناگون از سوی ایشان ایراد شده است، به روشنی اثبات می‌کند که مقوله «میراث معنوی» یکی از مفاهیم محوری و تکرارشونده در اندیشه و کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی است؛ مفهومی که هم شامل میراث انبیا و اولیای الهی می‌شود، هم میراث علمای مجاهد و شهدای والامقام را دربرمی‌گیرد و هم بر ضرورت انتقال این سرمایه‌های معنوی به نسل‌های آینده تأکید دارد.

مهم‌ترین میراث معنوی رهبر شهید انقلاب اسلامی

در این بخش به پاره‌ای از مهم‌ترین میراث معنوی رهبر شهید انقلاب اسلامی اشاره می‌شود.

۱. معنویت و نورانیت دل در عرصه ف‌ردی و اجتماعی

رهبر شهید رحمته‌الله علیه پس از جنگ دوازده‌روزه، خطاب به طلاب و مبلغان فرمودند: «نورانی‌کردن دل‌ها، ثبات

1. <https://www.leader.ir/fa/content/26731>.

و سکینه و گره‌زدن قلب مردم با ادعیه، از وظایف مبلغین و روحانیت است».^۱ ایشان خود در تهجد، قرائت قرآن و توجه به مبدأ عالم و توجه به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه پیشتاز بودند. به اعتقاد ایشان بر اثر ریاضت‌های شرعی و الهی ماه مبارک رمضان که روزه یکی از این ریاضت‌هاست، انسان با اختیار و اراده خود، ترک لذات مادی را در ساعت‌های طولانی انجام می‌دهد و بر هوس‌ها و خواهش‌های نفسانی در طول ایام روزه‌داری برتری می‌یابد. افزون بر این، انس با قرآن، تلاوت کلام پروردگار، آشنایی با معارف و مفاهیم قرآنی و نیز حالت ذکر و دعا و تضرع و توجه و انسی که انسان با خدای متعال در روزها و شب‌های ماه رمضان به‌ویژه شب‌های مبارک قدر پیدا می‌کند، نورانیتی به دل می‌دهد؛ نظافت و نزاهتی به جان انسان می‌بخشد.^۲

ایشان در مقام تبیین اهمیت و ضرورت توجه به معنویت و نورانیت دل در عرصه اجتماعی فرمودند: «جامعه اسلامی و انقلابی ما اگر چنانچه از ذکر الهی و یاد الهی و خشوع در مقابل پروردگار و تضرع

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=60746>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23506>.

در مقابل پروردگار غافل بشود، مطمئناً ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد، مطمئناً ناکام خواهد شد. ما به آن اهداف والا، به آن خواسته‌های مطلوب، در صورتی می‌رسیم که بتوانیم یک تلاش مؤمنانه و صادقانه‌ای را دنبال بکنیم؛ و آن جز با توجّه به خدای متعال و افزایش نورانیت دل و ارتباط دل با خدای متعال ممکن نیست.^۱ خداوند متعال در سوره «شعراء» می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۲ روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی‌دهد * مگر کسی که دلی سالم [از رذایل و خبایث] به پیشگاه خدا بیاورد». برخی مفسران گفته‌اند: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» از باب مثال است، وگرنه نه پدر و نه مادر و نه عشیره و نه قبیله و نه رفیق و نه زن و نه شوهر نمی‌توانند فریادرس باشند^۳ (نه افراد و نه اجتماعات).

هم‌چنان‌که از توصیه‌های دائمی رهبر شهید توجه به قرائت قرآن، حضور در مجالس قرآنی، تشویق به حفظ و قرائت و تجوید بود و همگان را

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=18492>.

۲. شعراء: ۸۸ - ۸۹.

۳. سیدعبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۴۹.

مؤکداً به قرآن رهنمون می‌ساختند. علاوه بر توصیه، سیره و سلوک فردی و اجتماعی آن عزیز حاکی از توکل، اعتماد و عدم ترس از دشمن در پرتو معنویت و خداخواهی بود و این اعتماد به نفس و عدم ترس انباشته و اجتماعی مردم بزرگ ایران، عمدتاً برگرفته از شجاعت و نترسی آن قائد شهید است. به تعبیر آن شاعر بزرگوار:

این خامنه‌ای بود که به	این ذلت دشمن که
ما شوق خطر داد	بینی اثر اوست

۲. تربیت خانواده و عموم جامعه

یکی دیگر از محورهای برجسته در میراث معنوی ایشان، توجه ویژه بر دو حوزه «تربیت خانوادگی» و «تربیت عمومی جامعه» است. ایشان والدِ شش فرزند (چهار پسر و دو دختر) بودند. تجربه زیسته نشان می‌دهد که تواضع، ادب و فروتنی مشاهده شده در رفتار این فرزندان، حاصل نظام تربیتی هدفمند و هماهنگ ایشان و همسرشان بوده است؛ الگویی که در مقایسه با وضعیت برخی از خانواده‌های دارای مناصب حکومتی یا مدیریتی (حتی در سطوح بسیار پایین) پدیده‌ای نسبتاً

کم‌تکرار به شمار می‌رود. چه‌بسا فرزندان کارگزاران در رده‌های پایین‌ترِ مناصب عمومی، خود را متمایز از دیگران می‌پندارند و رفتاری متفاوت از هنجارهای عمومی از خود بروز می‌دهند. آنچه در خانوادهٔ ایشان جاری بود و حتی پس از تصدی مقام‌های ریاست‌جمهوری و رهبری همچنان تداوم یافت - یعنی ادب، تواضع و فضای حاکم بر ارزش‌های معنوی - می‌تواند به مثابهٔ «درس‌آموختهٔ تربیتی» برای تمامی خانواده‌ها و نیز نظام‌های آموزشی و تربیتی جامعه تلقی گردد.

ایشان درباره اهمیت تربیت فرزند می‌فرمود:

فرزند صالحی تربیت بکنید که بعد از رفتن شما از خدای متعال برای شما طلب مغفرت بکند. بعضی از بچه‌ها هستند که پدرها و مادرها، جانشان را، هستی‌شان را، آبرویشان را، مالشان را صرف این بچه‌ها می‌کنند؛ [اما] بعد از اینکه پدر از دنیا رفت، یک فاتحه هم برای پدر نمی‌خوانند، یک طلب مغفرت هم برای پدر نمی‌کنند، اصلاً یادشان نمی‌آید؛ [اگر] یادشان هم بیاید، قضایا نقل می‌کنند، نه اینکه از خدای متعال برای او طلب مغفرت کنند. آن چیزی که آن بیچاره احتیاج دارد، این است که شما از خدا برای او طلب مغفرت کنید، طلب رحمت بکنید؛ به این احتیاج دارد؛

[نه] اینکه حالا شما بیای بنشین مثلاً درباره خصوصیات او، طبق سلیقه خودت - حالا بعضی اوقات که گرایش‌های سیاسی هم دخالت می‌کند - یک چیزهایی بگویی، که روح آن بیچاره هم آنجا معذب می‌شود. اهمّیت تربیت فرزند صالح از جمله اینجا معلوم می‌شود که خب، این همه شما زحمت می‌کشید، این را بزرگ می‌کنید، به سواد و علم و رشد و امکانات و مانند اینها می‌رسانید که به درد شما بخورد. مهم‌ترین چیزی هم که ممکن است از فرزند، به درد پدر بخورد، این است که برای او طلب مغفرت کند.^۱

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٍ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»^۲ هنگامی که انسان می‌میرد، [پرونده]^۱ عملش قطع می‌شود جز از سه چیز: دانشی که از آن بهره برده شود، یا صدقه‌ای که [ثوابش] پیوسته به او برسد، یا فرزند شایسته‌ای که برای وی دعا کند».

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43145>.

۲. محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۱۱.

امام شهید در سفارش به مخاطبان‌شان می‌فرمودند: «برادران و خواهران، پدرها و مادرهایتان را فراموش نکنید؛ یعنی یکی از چیزهایی که حتماً مقید باشید، [دعا و طلب مغفرت برای آنها باشد]. یکی از چیزهایی که حضرت در دعای شریف صحیفه سجّادیه درباره والدین از خدای متعال طلب می‌کنند، این است که توفیق بده من بعد از هر نمازی آنها را دعا کنم، یعنی این یکی از توفیقات الهی است».^۱ امام سجّاد علیه السلام خطاب به خداوند عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ صَلَوَاتِي».^۲ بار خدایا، بر محمد و خاندان و ذریه‌اش درود فرست و پدر و مادرم را به بهترین آنچه پدران و مادران بندگان مؤمنت را بدان مخصوص گردانیدی، ویژه بدار؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بار خدایا، یاد آن دو را در پایان نمازهایم از خاطر مبر».

توجه به تربیت فکری و فرهنگی فرزندان از سوی

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43145>.

۲. صحیفه سجّادیه، دعای ۲۴.

رهبر شهید نیز قابل توجه است در این باره خاطره ایشان از پی‌جویی و یافتن کتاب قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب مرحوم آذر یزدی، با هدف تربیتی فرزندان قابل ذکر می‌باشد. حضور دو فرزند ایشان در جبهه‌های جنگ مانند سایر بسیجیان، اشتغال هر شش فرزند پسر و دختر در امور دینی و فرهنگی و همچنین دامادها، احتراز و دوری خانواده از مسائل مالی و سرمایه‌گذاری، احتراز از رسانه‌ای بودن و چهره رسانه‌ای شدن فرزندان آن شهید همه و همه گویای تربیت عمیق، هدفمند و معنوی ایشان است. و اکنون ملت بزرگ ایران ثمره تربیت آن قائد بزرگ را در وجود رهبر فرزانه حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به عنوان رهبر الهی، معنوی، شجاع و نترس کاملاً درک می‌کنند.

رهبر شهید همچنین درباره تربیت عموم جامعه فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السّلام در جامعه اسلامی آن روز بر سر کار آمد؛ وضع امت مسلمان با آن روزی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، تفاوت زیادی کرده بود. این بیست و پنج سال فاصله بین رحلت پیغمبر

معنویت و تبلیغ دینی

اکرم و آمدن امیرالمؤمنین بر سر کار، حوادث زیادی اتفاق افتاده بود که این حوادث بر روی ذهن و فکر و اخلاق و عمل جامعه اسلامی اثر گذاشته بود و بعد، این نظام و این جامعه را امیرالمؤمنین تحویل گرفت. نزدیک پنج سال امیرالمؤمنین در آن کشور بزرگ اسلامی حکومت کرد. این پنج سال، هر روزش حاوی یک درس است. یکی از کارهای مستمر امیرالمؤمنین، پرداختن به تربیت اخلاقی آن مردم است.^۱

بر همین اساس رهبر شهیدمان با تکیه بر مشترکات دین اسلام و بعضاً مشترکات بین‌الادیانی به تربیت ریشه‌دار و قویم انسان‌هایی در گستره عالم موفق شدند. با اینکه امر تربیت نوعاً با جمع محدود میسر و میسر است؛ اما امام راحل و قائد شهید هنرمندانه این امر را جهانی کردند و چه بسا نقش خون مبارک ایشان در گسترش و توسعه امر تربیت اجتماع نقشی بارز و قابل توجه است.

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17060>.

۳. تربیت مجاهد

محور سوم از میراث معنوی رهبر شهید انقلاب اسلامی که اهمیت بسیاری دارد، تربیت مجاهد است. یکی از ویژگی‌های معنویت امام خمینی رحمته الله علیه و امام خامنه‌ای شهید، گره زدن معنویت با جهاد بود. مسئله معنویت و اخلاق در مکاتب بسیاری مطرح می‌شود؛ اما آن محور مهمی که مورد توجه مقام معظم رهبری بود، تربیت و گره زدن معنویت با جهاد بود. ایشان در مقام تبیین جایگاه بزرگ حضرت عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه می‌فرمودند:

یک نکته‌ای را جوان‌های ما توجه بکنند، میراث ارزشمند دینی در طول قرن‌ها که دست‌به‌دست از نسل‌ها به زمان امروز رسیده است، حامل یک نکته مهم است و آن اینکه در تمدن اسلامی در تفکر اسلامی این سه چیز با یکدیگر همراه‌اند؛ اولاً دانش، دوم تقوا و معنویت و سوم مبارزه و جهاد فی سبیل الله؛ لذا که همین نکته سوم هم درباره این بزرگوار است که به عنوان جهاد فی سبیل الله زندگی را می‌گذرانیده است. اگر مبارز نبود، حکومت فاسد عباسی در آن زمان او را

تعقیب نمی‌کرد. اگر پرچم عدالت‌خواهی در دست او نبود، بلاشک این مرد عالم از مَوطن خود که مدینه و حجاز است به ری و به این نقطه با آن زندگی دشواری که از او در روایات نقل شده است دچار نمی‌شد و نمی‌افتاد.^۱

الگوی مجاهدانی که در سراسر منطقه از جمله یمن، هند، فلسطین، سوریه، عراق، کشور خودمان و همه کشورهای اسلامی که احساس می‌کنند باید در برابر زورگویی بایستند، مکتب امام عظیم‌الشأن و امام خامنه‌ای شهید است. امام در یکی از پیام‌هایشان فرمودند: «فتح‌الفتوح» انقلاب اسلامی عبارت است از تربیت جوان‌هایی که این‌جور در راه خدا مخلصانه به آب و آتش می‌زنند».^۲ درحقیقت هم انسان‌سازی، تربیت انسان‌های صالح، ایجاد آدم‌های اُسوه که انسان بتواند به آنها افتخار بکند، از هر فتحی بالاتر است.^۳

آیه «شجره طیبه» پس از آیه نصرت الهی بیشترین استفاده را در بیانات و پیام‌های منتشر

1. <https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=57869>.

۲. سیدروح‌الله خمینی رحمته‌الله، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۹۴ - ۳۹۵.

3. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4009>.

شده از امام خامنه‌ای شهید با ۴۴ بار تکرار داشته است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»^۱ آیا ندیدی چگونه خداوند "کلمه طیبه" [و گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت، و شاخه آن در آسمان است». مفسران دیدگاه‌های مختلفی برای توضیح کلمه طیبه ارائه داده‌اند؛ از جمله آنها عبارت است از: «کلمه توحید و جمله لا اله الا الله»، «اوامر و فرمان‌های الهی»، «ایمان»، «شخص مؤمن»، «قرآن» و ...^۲ رهبر شهید انقلاب اسلامی معتقدند: «همه حقایق درست عالم، کلمه طیبه و کلمات الله‌اند. ما در زمینه مورد نظر خودمان، کلمه طیبه را پیدا می‌کنیم». بنابراین رهبر شهید در بیانات خود امام خمینی رحمته الله، بسیج، انقلاب اسلامی، قیام مردم قم، ارتش، حوزه علمیه قم، سخن حق و ... را به مثابه برخی از مصادیق کلمه طیبه ذکر کرده‌اند؛^۳ از این رو تربیت مجاهد هم می‌تواند یکی از مصادیق کلمه طیبه باشد.

۱. ابراهیم: ۲۴.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۷۱.

3. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=26884>.

۴. تقویت جبهه مقاومت

یکی از بیانات سالانه شهید امام خامنه‌ای، در حرم مطهر امام خمینی و به مناسبت سالگرد رحلت امام بزرگوار بود. ایشان هر سال به برخی از ابعاد شخصیت امام می‌پرداختند؛ اما آنچه سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد، این بود که رهبر شهید، مکتب امام را «مکتب مقاومت» نامیدند و با اشاره به مبنای قرآنی آن فرمودند: «بنده وقتی به این خصوصیت امام نگاه می‌کنم و به آیات قرآن مراجعه می‌کنم، می‌بینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد».^۱ یکی از نمونه‌های مهم آن داستان مبارزه طالوت (فرمانده بنی‌اسرائیل) با جالوت (ابر قدرت ستمگر) است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»: هنگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت روبرو شدند، گفتند پروردگارا، [مقاومت] در برابر دشمن را بر ما سرازیر کن و گام‌هایمان را استوار دار، و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان». خداوند در دوران مبارزه پیامبر اسلام نیز همن راهکار را توصیه می‌فرماید و هشدار

1. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=42799>.

می‌دهد که از مقاومت کردن کوتاه نیایید: «فَاسْتَقِمْ
كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ»^۱ همان‌گونه که به تو فرمان داده‌ایم، بر این
دین پایداری کن». کسانی هم که از شرک توبه
کرده‌اند و همراه تو ایمان آورده‌اند، باید در این
مسیر پایداری کنند. مبدا دست از مقاومت بردارید
و طغیان کنید و از بندگی خدا منحرف شوید که او
به کارهای شما بیناست و در صورت عقب‌نشینی،
شما را مؤاخذه خواهد کرد.

می‌توان ایجاد و تقویت جبهه مقاومت را یکی از
مصادیق روایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به شمار آورد که
فرمودند: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ
بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ»^۲
هر کسی سنت نیکویی را پایه‌گذاری کند، پاداش آن
و همچنین پاداش کسانی که تا روز قیامت به آن
عمل کنند را خواهد داشت، بدون آنکه چیزی از
پاداش عمل‌کنندگان کاسته شود».

رهبر انقلاب اسلامی با گرمی‌داشت یاد و خاطره

1. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=42799>.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، //کافی، ج ۵، ص ۹.

همه شهیدان مدافع حرم و جبهه مقاومت به‌ویژه سردار شهید سلیمانی، دفاع از حرم را جنبه‌ای نمادین در دفاع از تفکر و آرمان‌های صاحب آن حرم و اهل بیت علیهم‌السلام دانستند و فرمودند: آرمان‌های بلند مکتب اهل بیت علیهم‌السلام همچون عدالت، آزادی، مبارزه با قدرت‌های ظالم و «ایشان و فداکاری در راه حق»، همواره در میان وجدان‌های پاک طالب دارند؛^۱ از این‌رو مهم‌ترین نقش و خدمت شهید سلیمانی، احیای جبهه مقاومت در منطقه بوده است.^۲

در پایان نمی‌توان به میراث گرانسنگ معنوی ایشان در زمینه اتحاد امت اسلامی و تقریب مذاهب، پیوند معنویت و عقلانیت در تمدن‌سازی، اعتماد به نفس ملی در حوزه‌های دفاعی، علمی، پزشکی و هسته‌ای، پاسداشت و تقویت بی‌نظیر حس وطن‌دوستی در جامعه اشاره نکرد که به دلیل وجود محدودیت در نگارش، تبیین آنها را به مجال دیگری می‌سپاریم.

1. <https://www.leader.ir/fa/content/27386>.

2. <https://www.leader.ir/fa/content/26883>.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر *المیزان*، ۲۰ ج، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

۲. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان*، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۹ ش.

۳. علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، *الصحیفة السجادیة*، چ ۱، قم: [بی‌نا]، ۱۳۷۶ ش.

۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)*، چ ۱، قم: [بی‌نا]، ۱۳۷۵ ش.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چ ۴، تهران: الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۶. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.

1. <https://farsi.khamenei.ir>

2. <https://www.leader.ir>.

تحلیل راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای^{رحمته‌الله}

فاطمه خطیبی کوشا*

اعظم کنگرانی فراهانی**

چکیده

راهبرد تربیت دینی در کنار عناصر نظام تربیت اسلامی - مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل، عوامل و موانع، ساحت‌ها- اهمیت ویژه‌ای دارد. راهبرد تربیت، مهم‌ترین هدف میانی است که با جهت‌دهی به فعالیت‌های تربیتی، زمینه بیشترین اثرگذاری در تربی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم می‌کند. هدف از پژوهش حاضر تحلیل راهبرد تربیت دینی از منظر شهید آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای^{رحمته‌الله}

* فارغ التحصیل سطح سه حوزه علمیه رشته تربیت دینی کودک و

نوجوان (نویسنده مسئول). faf.rez.2015@gmail.com

** طلبه سطح سه حوزه علمیه رشته تربیت دینی کودک و نوجوان.

y.k762@yahoo.com

می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه آثار و بیانات بوده و بعد از کدگذاری و تشکیل شبکه مضامین، به تحلیل راهبرد تربیت پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای ایمان آگاهانه است. در پایان، دلالت‌های تربیتی این راهبرد شامل عبرت‌گیری تاریخی، نشان دادن قدرت خداوند، بهره‌گیری از فیلم مستند، نگاه آیه‌ای به هستی، برگزاری جلسات گفتگو محور، تشکیل دوره‌های عقاید اسلامی و ترویج کتاب‌خوانی متناسب با فضای کنونی جامعه و ایام محرم تبیین شده است.

کلیدواژگان:

راهبرد تربیت دینی، آیت الله سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای، هدف تربیتی، اهداف میانی.

مقدمه

تربیت انسان فرآیندی هدفمند است. آنچه تربیت دینی به عنوان اهداف خود در دسته بندی‌های مختلف معرفی می‌نماید، نقطه تمایز آن از سایر مکاتب تربیتی است. برای حصول هر یک از اهداف باید اقداماتی از ناحیه مربی صورت گیرد. با توجه به تکرر اهداف و همچنین تدریجی بودن امر تربیت، به زنجیره‌ای از اقدامات متعدد، متوالی و هدفمند در زمان نسبتاً طولانی نیاز است تا اهداف تربیتی محقق گردد. (عالم زاده نوری، ۱۳۹۶، ص ۱۸ و ۱۷) اگر این اقدامات در میانه راه متوقف شود، کار تربیت به سرانجام نمی‌رسد. (همان) از سوی دیگر زمان و توان مربی محدود است و نمی‌تواند به همه فعالیت‌های متنوع تربیتی متناسب با فهرست طولانی اهداف بپردازد. (همان) محدود بودن زمان و توان مربی از یک سو و تعدد اهداف تربیتی از سوی دیگر، نیاز به نقطه استراتژیک و راهبردی در تربیت را ضروری می‌گرداند.

شناخت راهبرد تربیت دینی به عنوان عنصر بنیادین، چهارچوب فعالیت‌های تربیتی را تعیین

کرده و امکان ارزیابی وضعیت موجود، شناسایی قوت و ضعف‌ها را فراهم می‌آورد. تمرکز مستمر بر یک موضوع محوری و پرهیز از پراکندگی، شرط اثرگذاری پایدار و درونی‌سازی ارزش‌هاست، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ، خَذَلَتْهُ الْحَيْلُ»: کسی که به کارهای مختلف بپردازد نقشه‌ها و تدبیرهایش به جایی نمی‌رسد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۳). در نهایت، راهبرد تربیت دینی پشتوانه نظری اقدامات مربی است و تصمیم‌گیری‌های او را روشمند و هدفمند می‌سازد.

در بررسی پیشینه پژوهش پیرامون راهبرد تربیت دینی، بیشتر مطالعات پیشین یا به معنای متفاوتی از راهبرد پرداخته‌اند و آن را صرفاً به مثابه روش و شیوه تلقی کرده‌اند، یا در ساحت خاصی همچون تربیت اخلاقی «راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم» (محمد عالم زاده نوری) به موضوع ورود کرده‌اند. برای نمونه، مقالاتی چون «راهبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن» (نبی الله صدیقی و سیدابوالقاسم موسوی) و «راهبردهای قرآنی تربیت دینی» (محمد قطبی) راهبرد را در چارچوب منبعی واحد یعنی قرآن کریم بررسی کرده‌اند و پایان نامه «راهبردهای تربیت

در نهج البلاغه» (فاطمه ترک صفایی) نیز محدود به منبع نهج البلاغه بوده است. همچنین برخی آثار مانند کتاب «الگوی دینی راهبردی تربیت کودک، نوجوان و جوان» (محمدحسن وکیلی) به دنبال ارائه نظام کلان تربیت دینی براساس آیات و روایات بوده‌اند، بی آنکه دیدگاه فرد خاصی از اندیشمندان معاصر و متفکران حوزه تربیت را مورد توجه قرار دهند.

با توجه به اینکه استخراج راهبرد تربیت دینی امری تخصصی و نیازمند اجتهاد تربیتی است، و از سوی دیگر اندیشمندان عرصه تربیت دینی چه صراحتاً و چه به طور مفهومی به این مهم توجه داشته‌اند، می‌توان با مطالعه و تحلیل آثار آنان به راهبرد تربیت دینی دست یافت. شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رحمته الله علیه (۱۳۱۸) از اندیشمندان صاحب نظام فکری در حوزه اسلام‌شناسی، جامعه‌پردازی دینی و تربیت انسانی است. نگاه کلان‌نگر به مسائل اجتماعی و فرهنگی، انس فزاینده با وحی، تسلط بر منابع قرآنی و روایی و شناخت عمیق از نیازهای جامعه اسلامی، زمینه‌ساز شکل‌گیری فهمی

همه‌جانبه و کاربردی از اسلام در منظومه فکری وی شده است. پیوند این مبانی با فرآیند جامعه‌سازی اسلامی، ظرفیت بالایی برای استخراج راهبرد تربیت دینی در دیدگاه ایشان را فراهم می‌آورد. این پژوهش درصدد است با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی گزارشی از راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت الله خامنه‌ای ارائه داده و به دلالت‌های تربیتی آن در جامعه کنونی بپردازد.

مفهوم شناسی

برای روشن تر شدن مسئله مورد نظر، واکاوی مفهوم چند واژه لازم است:

راهبرد: واژه «استراتژی» که در فارسی به «راهبرد» ترجمه شده است، در لغت به معنای برنامه، سیاست، نقشه، تدبیر، فرماندهی و رزم آرای است و در اصطلاح به معنای هنر طراحی و آرایش نظامی، هنر توسعه و به کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل دیگران و به صورت خلاصه، کلی‌ترین سخن و موثرترین راهنما برای رسیدن به اهداف اساسی به کار رفته است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۹۹) «با بررسی تعاریف مختلف راهبرد از جنبه نظامی و غیرنظامی، استنباط می‌گردد که راهبرد

شامل دو جزء اساسی هدف و مسیر دستیابی به هدف می‌باشد (احمدوند و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷).»

تربیت: واژه تربیت در کتب لغت فارسی به معنای پرورش، تادیب، آموختن و پروردن کودک تا بالغ شدن و ترقی آمده است. (دهخدا، ج ۴، ص ۵۷۷۶) در زبان عربی واژه «التربیه» از دو ماده «ربو» به معنای رشد و نمو و «ربب» به معنای حضانت، اصلاح و تکامل گرفته شده است. (راغب اصفهانی، ص ۳۳۶. ابن منظور، ج ۱۴، ص ۴۰۱. فراهیدی، ج ۸، ص ۲۵۷) مفهوم تربیت در دسته تعاریف تحلیلی و توصیفی به معنای «زمینه‌سازی شناخت و انتخاب درست» (هادی زاده، ۱۴۰۲، ص ۴۳) به کار برده می‌شود. این تعریف در پژوهش حاضر مدنظر قرار خواهد گرفت.

تربیت دینی: تربیت دینی شامل مجموعه فعالیت‌هایی می‌شود که مبتنی بر چهارچوب و مبانی اسلام موجب پرورش همه ساحات وجودی انسان اعم از بینش، گرایش و رفتار در تمام روابط چهارگانه او با خود، خداوند، دیگران و طبیعت شده تا زمینه دینداری در فرد بوجود آید.

راهبرد تربیت دینی: راهبرد طرح کلانی است که با

تمرکز بخشی به اقدامات، بیشترین بهره برداری از فرصت‌ها و منابع محدود را فراهم می‌کند. «بحث از راهبرد تربیت درصدد نمایاندن آن اهداف واسطه‌ای و استراتژیک است که راهی به سوی غایت به شمار می‌روند و در جایگاه مهم‌ترین نقاط میان مبدأ و مقصد، مربی را به بهترین صورت به اهداف عالی تربیت نزدیک می‌گردانند.» (عالم زاده نوری، ۱۳۹۶، ص ۳۱) به عبارت دیگر راهبرد تربیت مهم‌ترین هدف میانی است که با جهت‌دهی به فعالیت‌های تربیتی، زمینه بیشترین اثرگذاری در مربی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم می‌کند.

مبانی نظری

مفهوم «راهبرد تربیتی» در آثار بسیاری از اندیشمندان حوزوی به صورت صریح مطرح نشده و اغلب در قالب ساختارها و رویکردهای ضمنی قابل شناسایی است. از این رو، دستیابی به راهبرد تربیت دینی مستلزم طراحی شاخص‌هایی برای استخراج و تحلیل آن‌ها است. در این راستا، راه‌های شناسایی راهبرد تربیت دینی را می‌توان در سه دسته نشانه‌های زبانی، ساختاری و مفهومی جستجو کرد.

نشانه‌های زبانی عباراتی هستند که به صورت

مستقیم بر اهمیت یا ضرورت یک موضوع تاکید می‌کند و شامل تکرار لفظی، تاکید زبانی با استفاده از واژگان خاص، خلق اصطلاح ویژه برای یک مفهوم تربیتی می‌باشد. نشانه‌های ساختاری به جایگاه و نحوه چینش مطالب در آثار اندیشمندان مربوط است که تکرار ساختاری، میزان بسط یک مفهوم و ترتیب مطالب را شامل می‌شود. اما نشانه‌های مفهومی به صورت غیر مستقیم به ضرورت یک موضوع و پیوند آن با سایر مبانی تربیتی می‌پردازد و از جمله آن می‌توان کشف مفاهیم کلیدی و تحلیل آن، مقایسه و تضاد مفهومی و جایگاه علی یک موضوع در منظومه فکری یک اندیشمند را نام برد.

ساختار تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه

تعلیم و تربیت از منظر رهبر شهید انقلاب، مهم‌ترین موضوع تمدنی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸، [Khamenei.ir]) و اصلی‌ترین ماموریت جامعه اسلامی به حساب می‌آید. ایشان تربیت را فرآیندی حیاتی می‌داند که موجب رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس و شکوفایی استعدادهای انسان می‌شود؛ به

گونه ای که در برابر تربیت‌های غیراسلامی، وظیفه اصلی ما ایجاد تحول معنوی و روحی در انسان‌ها است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰، [Khamenei.ir]) از این رو «مسئله تعلیم و تربیت، مسئله زندگی بخشیدن و ولادت بخشیدن به یک مخاطب و یک انسان است.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷، [Khamenei.ir])

با تامل در آثار و بیانات، چنین برمی‌آید که مباحث تربیتی ایشان عمدتاً در ذیل مسئله نبوت، بعثت و رسالت انبیاء علیهم‌السلام مطرح شده‌اند. از نظر ایشان جریان بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شامل سه ساحت از ساحت تربیت به نام تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی و تربیت قانونی می‌باشد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، [Khamenei.ir]) از طرف دیگر، با توجه به اینکه راهبرد تربیت دینی از جنس هدف است، بررسی مسئله نبوت در نگاه آیت الله خامنه‌ای می‌تواند مسیری برای روشن شدن مسئله تحقیق باشد.

در اندیشه رهبر شهید، هدایت نبوی نه در تقابل با عقل، بلکه در خدمت رشد و شکوفایی آن است؛ به گونه ای که عقل دفن شده در زیر غبارهای هوس، ترس، طمع و غرض را ازدل خاک بیرون می‌کشد و آن را به جایگاه واقعی خود باز می‌گرداند.

(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۴۸) فلسفه نبوت، براساس آموزه‌های نهج البلاغه، در این است که انسان را به میثاق فطری اش بازگرداند و نعمت‌های فراموش شده وجود او را یادآوری کند. (همان) این مهم جز با پالایش عقل و تهذیب جان ممکن نیست.

اگر فلسفه نبوت را چرایی بعثت پیامبران بدانیم، هدف نبوت، مقصد و جهت این حرکت الهی است. «انبیاء علیهم السلام می‌آیند تا انسان‌ها را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از جهالت‌ها، از رذیلت‌های اخلاقی، از پوشیده ماندن استعدادهای درونی خلاص کنند، نجات دهند. از آن‌ها انسان کامل و متعالی بسازند.» (همان، ص ۳۰۳) اما تحقق این هدف غایی، نیازمند طی مراحل و تحقق اهداف میانی است. مهم‌ترین آن تشکیل جامعه توحیدی است. (همان، ص ۳۰۷) پیامبران با اعلام توحید، جریان جدیدی در عالم ذهن و اندیشه ایجاد می‌کنند؛ به گونه ای که انسان موحد با خروج از تنگ نظری، چشم انداز وسیعی را از آفرینش الهی می‌بیند که غیر قابل احصاء است. (همان) در نهایت می‌توان گفت با تحلیل مسئله نبوت و بررسی چرایی و هدف آن، هدایت عقل و تغییر اندیشه انسان‌ها نقطه آغاز

مسیر تربیت دینی به حساب می‌آید.

جایگاه تربیت عقلانی در هندسه تربیت دینی

با توجه به آنچه درباره فلسفه نبوت و نقش هدایت عقل در بعثت انبیاء علیهم‌السلام بیان شد، در همین زمینه رهبر انقلاب از تعبیر «تربیت عقلانی» استفاده می‌کند. عقلانیت بر پایه مبانی، اصول و باورهای اصیل شکل می‌گیرد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، [Khamenei.ir]) و خرد را می‌توان به عنوان دوراندیشی معرفی کرد؛ به گونه ای که تبعات و جوانب یک اقدام در آینده در نظر گرفته شود. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، [Khamenei.ir]) مفهوم تربیت عقلانی در نگاه ایشان به معنای «نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن تا راه را با این مشعل تشخیص دهد و قادر بر طی کردن آن باشد. این اولین مسئله است و مهم‌ترین مسئله هم همین است.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، [Khamenei.ir])

به نظر می‌رسد از منظر شهید آیت الله خامنه‌ای رحمته‌الله تربیت فکری و عقلانی به معنای اندیشه ورزی در

درجه اول و دانش اندوزی در درجه دوم می‌باشد. ایشان برای تعلیم سه عرصه قائل شده و مهم‌ترین قسمت آن را یاد دادن تفکر مطرح می‌کند. «اگر کودک یاد بگیرد که فکر کند-فکر صحیح و منطقی- و برای فکر کردن درست راهنمایی شود؛ سطحی نگری و سطحی آموزی در مسائل زندگی یک جامعه را زمین گیر می‌کند و در بلند مدت اثر بیشتری دارد.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳، [Khamenei.ir]) علت پرداختن به تربیت فکری به معنای اندیشه ورزی در دوران کودکی، شکل دادن هویت انسانی کودک و بوجود آوردن خلقیاتی است که تا آخر عمر برای او مفید و موثر باقی می‌ماند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱، [Khamenei.ir])

چنان که پیشتر بیان شد، بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک رخداد تربیتی است که تمام ابعاد وجود انسان را در بر می‌گیرد و در سه محور اصلی تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی و تربیت قانونی قابل تحلیل است. این سه ساحت از تربیت، در اندیشه رهبر شهید انقلاب، ترتب دارند. «اولین کار پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله اشاره عقل است، برشوراندن قدرت تفکر است؛ قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن. این حلال

مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد، انسان را به دین می‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می‌کند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت آمیز و دل دادن به دنیا باز می‌دارد؛ عقل این است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم همین است.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، [Khamenei.ir])

در نگاه ایشان تقدم تربیت عقلانی با سه دلیل به اثبات می‌رسد: دعوت به خردورزی و عقلانیت در بعثت پیامبران، تکیه بر عقل و خرد در تعالیم قرآنی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تصریح امیرالمؤمنین علیه السلام به استخراج گنجینه‌های خرد در تبیین علت مبعوث شدن انبیاء علیهم السلام. «(همان) در نتیجه، تربیت عقلانی زیرساختی ضروری برای شکل‌گیری دینداری آگاهانه و پایدار است که بدون آن، سایر ابعاد تربیت دینی از انسجام و عمق لازم برخوردار نخواهند بود.

نسبت ایمان و عقل در تربیت دینی

افزون بر عقلانیت و محوریت تربیت عقلانی در اندیشه شهید آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه، ایمان نیز از جایگاهی ویژه و بنیادین برخوردار است. «تلاش و

حرکت آدمی که فلسفه بودن اوست، نقطه آغاز و سکوی پرشی دارد و آن ایمان است. بدون ایمان هر حرکت و پویشی ناپایدار و بی فرجام است.» (سیدعلی حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴۳) ایشان در تبیین جایگاه ایمان، تاکید می‌کند که هر آنچه یک انسان برای دستیابی به سعادت نیاز دارد - در هر نگاه و جهان‌بینی - دقیقا همان چیزی است که در فرهنگ قرآنی به انسان مومن نوید داده شده است. (همان، ص ۱۰۹)

ایمان به معنای باور، پذیرش و پایبندی به حقیقتی است که انسان برای رسیدن به آن تلاش می‌کند و در مسیر آن مجاهدت دارد. (همان، ص ۴۳) در حقیقت، ایمان وابستگی فکری، اعتقادی و روانی به یک شخص، قطب و یا به یک مرکز است که سبب حرکت به دنبال آن جاذبه می‌گردد. در نگاه ایشان، ایمان واقعی دو لازمه دارد: نخست آن که از مسیر تفکر، درک روشن حاصل شده باشد (همان، ص ۷۰) و دوم آن که در رفتار و عمل فرد متجلی شود و تعهدات ناشی از آن را به طور کامل بپذیرد. (همان، ص ۴۹)

در منظومه تربیتی شهید آیت الله خامنه‌ای^{ره}، ایمان نه تنها یکی از اهداف میانی تربیت اسلامی است، بلکه نقطه آغازین و محور شکل‌گیری شخصیت انسان نیز به شمار می‌رود. «هیچ چیز معادل ایمان نیست. شما از این بچه هر بخواهید بسازید باید در او ایمان بوجود آورید... اگر این بچه‌ها با ایمان پرورش پیدا کردند و شما توانستید بذر ایمان را در دلشان بکارید، در آینده می‌شود از آنان هر شخصیت عظیمی ساخت و برای هر کاری مناسب‌اند. اگر این عنصر را در آنان نداشته باشیم، برای هیچ کاری مناسب نیستند؛ هرچه بشوند، نامطمئن‌اند... سعی کنید ایمان را در بچه‌ها تقویت کنید. این اولین نقطه است. البته آن وقت می‌توان بر محور ایمان، تعصب و جمود و امثال آن را پروراند و تنید؛ می‌توان صفات عالی، آزاد اندیشی، شجاعت، بزرگواری و سماحت را پروراند و تنید. آنچه را که فکر می‌کنید برای این بچه و برای شخصیت او لازم است، بر محور ایمان بتنید.» (حسینی خامنه‌ای،

۱۳۷۶، [Khamenei.ir])

اهمیت ایمان از یک سو و ضرورت تعقل از سوی دیگر، این پرسش را به ذهن می‌آورد که در تربیت

انسان کدام یک نقش بنیادی‌تری ایفا می‌کند و از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ از نظر رهبر شهید انقلاب، انسان مطلوب اسلام دو ویژگی اساسی دارد: «اولا مومن باشد؛ ایمان شرط اول است. ثانيا خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد، اندیشمند باشد، یعنی فکر کند.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹، [Khamenei.ir]) به عبارت بهتر، ایمان به عنوان نیروی محرکه انسان در میدان عمل، باید از جنس معرفت باشد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶، [Khamenei.ir]) ایشان ایمان را در چارچوب یک ایدئولوژی زندگی‌ساز تحلیل کرده و معتقدند نقطه اساسی در چنین مکتبی این است که انسان بفهمد «من اینجا برای کاری آمده‌ام» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۷۲) این فهم، از مسیر تفکر و تعقل حاصل می‌شود و ایمان حقیقی زمانی شکل می‌گیرد که فرد با تأمل، به باور برسد. در نظام فکری شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله، چنین ایمانی که پشتوانه عقلانی دارد، ایمان آگاهانه نامیده می‌شود. (همان، ص ۶۸) در مقابل ایمان آگاهانه، ایمان مقلدانه و متعصبانه وجود دارد که بر اساس احساس صرف است و زائل شدن آن به آسانی کسب آن است. (همان) بنابراین مسیر ایمان در تربیت دینی از

اندیشه و بینش می گذرد و شور و عشق ایمانی مبتنی بر بصیرت است.

ایمان آگاهانه؛ راهبرد تربیت دینی

همانطور که پیش از این بیان شد، نقطه آغاز حرکت انبیاء علیهم السلام توحید است؛ اما این توحید صرفاً یک شعار یا بیان لفظی نیست، بلکه آغاز یک جریان فکری و معرفتی در ذهن انسان است. پس بکارگیری قدرت تفکر و اندیشه نقطه آغاز تربیت دینی نیز به شمار می آید. در این چارچوب، نسبت عقل و ایمان در تربیت دینی به صورت دو سویه مطرح می شود، از یک سو، ایمان می تواند پشتوانه عقلانیت و تفکر باشد و از سوی دیگر، عقلانیت و تامل می تواند پشتوانه شور و عشق ایمانی باشد.

براساس آنچه گفته شد، به نظر می رسد تربیت دینی در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب، یک مسیر پیوسته است که از عقل آغاز می شود، به ایمان می رسد و در نهایت انسان را به سوی تعالی و تحقق جامعه توحیدی سوق می دهد. در این مسیر، تربیت عقلانی نقش آغازگر و زمینه ساز را ایفا می کند؛ یعنی نقطه شروع فعالیت های تربیتی باید بر تقویت قدرت تفکر، تامل و فهم استوار باشد. اما سرمایه

گذاری اصلی باید بر شکل‌گیری ایمان آگاهانه متمرکز شود؛ ایمانی که اگر به درستی تحقق یابد، شرایط سعادت فراهم شده و سایر اهداف تربیتی نیز در پی آن محقق خواهند شد. این ایمان، هم محصول عقلانیت است و هم پشتوانه آن؛ هم انگیزه حرکت است و هم ضامن پایداری در مسیر تربیت دینی. در نهایت می‌توان گفت در نگاه ایشان، ایمان آگاهانه راهبرد تربیت دینی می‌باشد.

دلالت‌های تربیتی راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه

ایمان آگاهانه یک جریان فکری - معرفتی در ذهن انسان است که فرد از تنگ نظری خارج شده و با دستیابی به جهان‌بینی وسیع توحیدی، زمینه پذیرش قلبی برای او ایجاد می‌شود. بر همین اساس، محور کلیدی در فعالیت‌های تربیتی، آن چیزی است که فکر و اندیشه متربی را به راه انداخته، او را از سطحی‌نگری در امان داشته و وسعت دید می‌دهد. در همین راستا و با توجه به فضای جامعه کنونی و ایام محرم، به چند مورد از دلالت‌های این راهبرد برای مخاطب نوجوان، به

صورت مصداقی پرداخته می‌شود.

۱. عبرت‌گیری تاریخی

بیان تاریخ و سرگذشت پیشینیان، یکی از قدرتمندترین ابزارها برای تقویت باور توحیدی از طریق جریان معرفتی برای نوجوانان است. داستان‌ها انسان را از سطح شناخت ذهنی فراتر برده و به درک شهودی و عینی مفاهیم می‌رسانند. این تجربه، دیگر صرفاً یک پیوند عقلی نیست، بلکه به پیوند قلبی بدل شده و گره عمیق تری در دل ایجاد می‌کند. خداوند بارها در قرآن کریم با نقل داستان‌های عبرت‌آموز گذشتگان، انسان را به این شیوه هدایت کرده است. انتخاب داستان‌های مناسب همراه با تطبیق آن با مفاهیم فضای جامعه، مثل تقابل حق و باطل و جریان بیعت نکردن امام حسین علیه السلام با یزید که رهبر شهید انقلاب نیز به آن اشاره کرده بودند، نمونه‌هایی از این قبیل است

۲. نشان دادن قدرت خداوند

یکی دیگر از مهم‌ترین مواردی که نوجوان را به اندیشیدن وادار می‌کند و فکر توحیدی را قوت

می‌بخشد، نشان دادن آیات قدرت خداوند است. یکی از مصادیق روشن این قدرت، استقامت در برابر استکبار و دشمن می‌باشد. در ایام محرم می‌توان با روایت و تحلیل مستند امدادهای غیبی در جنگ رمضان، جلوه‌های عینی یاری الهی را برای نوجوانان ملموس ساخت. استفاده از داستان‌های کوتاه (مثل جریان طبس ۲)، طرح نمونه‌هایی از شجاعت و پایداری، بهره‌گیری از روایت‌های تصویری مثل عکس یا فیلم‌های کوتاه و پیوند دادن مفهوم یاری الهی با موقعیت‌های روزمره زندگی می‌تواند از جمله راهکارهای موثر باشد.

۳. بهره‌گیری از فیلم مستند

«امروزه دشمنان این ملت و این انقلاب و این نهضت عظیم مردمی به سراغ تحریف و دروغ و تغییر واقعیات در ذهن‌ها رفته‌اند؛ چیزی که می‌تواند ذهن‌ها را روشن کند، همین مستندهای شماس‌ست.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، [Khamenei.ir]) فیلم مستند یکی از بهترین موارد برای به راه انداختن قدرت فکر و اندیشه است؛ زیرا نوجوان را با لایه‌های پنهان اتفاقات آشنا می‌کند. با توجه به جنگ اخیر،

می‌توان از مستندهایی استفاده کرد که تاریخچه دشمنی آمریکا با ایران را نشان می‌دهد و ماهیت واقعی آن را روشن می‌سازد.

۴. نگاه آیه‌ای به هستی

شناخت هستی و توجه به پدیده‌هایی که در عالم رخ می‌دهد، در حقیقت پلی است میان آگاهی و ایمان. (ملکی، ۱۴۰۳، ص ۹۸) این نگاه، عالم را محضر خداوند می‌بیند و با تفکر و تدبر در وقایع و نشانه‌ها، ایمان را افزایش می‌دهد. مربیان و مبلغان می‌توانند با الهام گرفتن از واقعه عاشورا، نگاه آیه‌ای به پدیده‌های هستی را در نوجوانان پرورش دهند. راهکارهای اجرایی در این زمینه عبارتند از: اردوهای شبه راهیان نور در مناطقی که در جنگ تحمیلی سوم مورد حمله دشمن واقع شده و برپایی هیئت و حلقه‌های گفتگو، کارگاه سفیران آیه‌ها با هدف آموزش نوجوانان برای روایت‌گری داستان‌های کوتاه و درس‌های استقامت عاشورا و تطبیق آن با جنگ رمضان به زبان خود آنان (نقاشی، شعر، داستانک)، ایستگاه مقاومت با هدف تبیین نبردهای روزانه با نفس اماره (مانند تنبلی در نماز و...) و پیوند آن با داستان‌های مقاومت عاشورا، مقایسه وقایع عاشورا

و جنگ رمضان و جستجو در یافتن مصداق‌هایی از ایثار، فداکاری و مقاومت در قالب ساخت برنامه‌های تربیتی.

۵. برگزاری جلسات گفتگو محور

تخاطب با نوجوانان و گفتگو با آنان در مورد مسائل روز و شبهات یکی از مواردی است که با تولید محتوای معرفتی در فضای مجازی جبران نمی‌شود. یعنی برای ایجاد دید وسیع و خروج از تنگ نظری، به راه انداختن کانال‌هایی در پیام‌های رسان‌های اجتماعی کافی نیست و باید رو در رو با نوجوان صحبت کرد. برگزاری حلقات در ایام محرم، پیش از شروع هیئت، و مواجه کردن نوجوانان با یک پرسش، می‌تواند در تقویت قدرت تفکر آنان موثر باشد.

۶. تشکیل دوره‌های عقاید اسلامی

«آن چیزی که لازم است، یک دوره عقاید متین و کاملاً ساده و دور از آن استدلالات فلسفی و عرفانی می‌باشد، آن هم به اندازه‌ای که ذهن این جوان آن را بپذیرد.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸، [Khamenei.ir]) برای شکل‌گیری جهان‌بینی توحیدی و انتقال معارف دینی

به نوجوانان، برگزاری دوره‌های آموزشی عقاید با زبانی ساده و قابل فهم، امری ضروری است. در این میان، کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» تالیف رهبر شهید انقلاب، مباحث مهم عقایدی را در چند فصل خلاصه کرده است که می‌تواند با پردازش‌هایی مانند مثال‌های کاربردی، داستان پردازی‌های قرآنی، استفاده از ابزارهای بصری مثل ویدئوهای کوتاه و... مفاهیم عمیق آن را منتقل کند.

۶. ترویج کتاب خوانی

مطالعه کتاب‌های مفید از دو جهت برای نوجوانان اهمیت دارد، یکی اینکه بر اطلاعات آنان می‌افزاید و دوم اینکه محفوظات و مطالعات، زمینه تفکر و تحلیل را فراهم می‌کند. ایام محرم و فضای هیئت، به دلیل ماهیت تامل برانگیز و جمع محور خود، بستری مناسب برای تقویت عادت کتاب خوانی در میان نوجوانان فراهم می‌آورد. برای بهره‌گیری از این ظرفیت، می‌توان ایستگاه‌های مطالعه در هیئت با میزهای کوچک فراهم کرد، تا نوجوانان بتوانند پیش یا پس از مراسم، چند دقیقه مطالعه داشته باشند یا کتاب امانت بگیرند. برای معرفی کتاب‌های خوب

و متناسب می‌توان حلقه‌های گفتگوی کوتاه برگزار کرد. مربیان در این زمینه، می‌توانند تجربه مطالعات خود را به اشتراک بگذارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه «ایمان آگاهانه» است؛ بدین معنا که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین موضوع در تربیت اسلامی، ایجاد یک جریان فکری-معرفتی است که با گسترش افق اندیشه، زمینه پذیرش قلبی توحید را در انسان فراهم می‌آورد. در همین راستا، با توجه به فضای جنگ تحمیلی سوم و ایام محرم، دلالت‌های تربیتی این راهبرد برای نوجوانان شامل ترویج کتاب‌خوانی، عبرت‌گیری تاریخی، نشان دادن قدرت خداوند، بهره‌گیری از فیلم مستند، نگاه آیه‌ای به هستی، برگزاری جلسات گفتگو محور و تشکیل دوره‌های عقاید اسلامی می‌باشد.

کتابنامه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق) / لسان العرب، جلد چهاردهم. بیروت: دار صادر.

۲. احمدوند، علی محمد و دیگران (۱۳۸۹) «مروری بر مدل های انتخاب راهبرد»، نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا.

۳. انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه، جلد چهارم. تهران: روزنه.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) مفردات الالفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیه.

۶. عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۶) راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۷) العین، جلد هشتم. قم: هجرت.

۸. ملکی، حسن (۱۴۰۳) درآمدی بر نظریه تعلیم و تربیت در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (ره). تهران: انقلاب اسلامی.

۹. نهج البلاغه (۱۳۷۴) تصحیح صبحی صالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.

تحلیل راهبرد تربیت دینی در دیدگاه شهید آیت‌الله سیدعلی

حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه

۱۰. هادی زاده، محمدتقی (۱۴۰۲) فقه تربیت؛ مفهوم

تربیت و حیانی. قم: انتشارات اخلاق و تربیت.

11. <https://farsi.khamenei.ir>



بخش دوم: تبلیغ دینی

بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی رحمته الله

* نفیسه قنبری

چکیده

جاودانگی و جهان‌شمولی دین مبین اسلام، بیانگر همگانی‌بودن دعوت انسان‌هاست که این مهم، ضرورت تبلیغ دین اسلام را ایجاب می‌کند. تبلیغ دین، از اساسی‌ترین وظایف انبیای الهی است که در آیه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، آیه ۳۹)، به اهمیت این امر خطیر تصریح شده است. بر عالمان دینی، ضروری است جهت حفظ و احیای ارزش‌های اسلامی، امر تبلیغ را سرلوحه وظیفه خویش قرار دهند. از این‌رو، شناخت بایسته‌های تبلیغ، بر هر مبلّغی ضروری است. این پژوهش، درصدد بیان

معنویت و تبلیغ دینی

بایسته‌های تبلیغ از منظر رهبر معظم انقلاب است؛ تا بتوان گام مؤثری در ارتقای کیفیت تبلیغ ارائه نمود. لازمه تبلیغ دین، طبق بیانات مقام معظم رهبری، خودسازی و اخلاص مبلّغ است؛ به نحوی که عمل مبلّغ، منطبق با گفتار وی باشد تا موجب افزایش بازدهی و تأثیرگذاری شود. بینش، بصیرت و بهره‌گیری از فنون و ابزار تبلیغ نیز از دیگر بایسته‌های تبلیغ است که نقش مؤثری در پیشبرد اهداف دین خواهد داشت.

کلیدواژه‌گان: آیت‌الله خامنه‌ای، تبلیغ، خودسازی، ارکان تبلیغ، ابزار و فنون تبلیغ.

مقدمه

تبلیغ، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای دین مبین اسلام است که از دیرباز در پیش‌برد و نشر معارف اسلامی مورد توجه بوده است. این امر خطیر، از رسالت‌های اساسی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام به شمار می‌رود که تا عصر حاضر نیز جریان داشته است. از این‌رو، آشنایی مبلّغان دین با بایسته‌های تبلیغ، امری ضروری می‌نماید. آگاهی از ابزارهای تبلیغ و جدیدترین شیوه‌ها، به مبلّغان این امکان را خواهد داد که افزون بر هدایت جامعه اسلامی به سوی سعادت دینی، از ورود اندیشه‌های دین‌گريزانه و یا دین‌ستيزانه جلوگیری نمایند. مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون، یکی از اصلی‌ترین وظایف آنان را تبلیغ دین اسلام دانسته‌اند و همواره بر آن تأکید نموده‌اند. از نظر ایشان تبلیغ، از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است که مخصوص یک دوره نیست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲). پژوهش حاضر، در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان در امر تبلیغ موفق بود؟ و نکات قابل توجه موفقیت روزافزون در امر تبلیغ و هدایت انسان‌ها طبق

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی چیست؟ این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی با گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. از آنجایی که تبلیغ، عامل اساسی در شناخت انسان‌ها به حقیقت دین مبین اسلام و عامل سعادت و هدایت افراد است، باید اذعان داشت که توجه به بایسته‌های تبلیغ، از روش‌های کارآمد در نهادینه‌سازی دین اسلام به شمار می‌آید.

مفهوم تبلیغ

تبلیغ، از ریشه «بلغ» به معنای رساندن پیام از طریق نوشتن و امثال آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۲۱؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۳۱۶) و نیز به معنای رسیدن به انتهای هدف و مقصد و یا انجام دادن کاری در زمان و مکانی معین است که در این معنا، با کلمه «بلاغ» به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۵۳). تبلیغ، در آیات قرآن، گاهی در معنای بلاغ به کار رفته است: «وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ» (آل عمران، آیه ۲۰). رهبر معظم انقلاب، در بیان معنای تبلیغ می‌فرماید: «تبلیغ را که از آن در قرآن به «بلاغ»، «بیان» و «تبیین» تعبیر شده، از وظایف مقدس انبیا، علما، متفکران، دانایان

بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام

و مصلحان دانسته شده و تبلیغ، یعنی رساندن آن حقایق، به اذهان و دل‌های مخاطبان که بدون آن، دچار خسارت خواهند شد. این است که ارزش تبلیغ را بالا می‌برد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲).

اهمیت و جایگاه تبلیغ

در آموزه‌های دینی، تبلیغ دین، به عنوان یک امر ضروری یاد شده و مراد از «تَفَقَّه» در آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، آیه ۱۲۲)، فراگیری همه معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع است؛ زیرا در مفهوم تفقّه، همه این امور جمع است. بنابراین، آیه فوق، دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان باید (واجب کفایی) به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل، برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، به‌خصوص به سوی قوم و جمعیت خود باز گردند و آنها را به مسائل اسلامی آشنا سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۱۹۳). مقام معظم رهبری، تبلیغ را دارای نقش عظیم برای حفظ اسلام

دانسته‌اند و فرموده‌اند:

مبادا کسی این طور تصور کند که با بودن رادیو و تلویزیون و ویدئو و این وسایل امروزی، دیگر منبر چه نقشی دارد؟ تبلیغ دین چه نقشی دارد؟ نه؛ آن تأثیری که گفتار یک انسان در یک مجلس، در ذهن مخاطبین می‌گذارد، به کلی با هر نوع تبلیغ دیگر، متفاوت است. این نوع تبلیغ است که برکات الهی با آن هست؛ آثار مواجهه انسانی در آن هست؛ بسیار مهم است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲).

ایشان تبلیغ دین را جزء وظایف علمای دین دانسته‌اند که مبلّغ دین باید در هر سطحی که مخاطبان خود را مشاهده می‌کند، برای بالا بردن آنها از آن سطح، همت بگمارد و باقی ماندن مخاطبان خود را در یک نقطه، تحمل نکند. اساس کار تبلیغ از نظر ایشان، بر پیش بردن مخاطب و آگاه نمودن او در جهت ترقی و رشد فکری اوست تا به تقرب پروردگار و کمالات نفسانی پیش رود (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

خداوند متعال در آیه «**أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ**» (نحل، آیه ۱۲۵)، خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای ارشاد و

هدایت جامعه بشر به سوی دین اسلام و دعوت به اصل توحید توصیه نموده است تا برنامه مکتب عالی قرآن را به مردم بیاموزد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۵۷۱) و طبق آیه «إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف، آیه ۴۳)، کسی که در صراط مستقیم سیر کند، زودتر به مقصد می‌رسد (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱۲، ص ۳۳). بنابراین، هدف باید «صراط مستقیم» باشد. مقام معظم رهبری هدف تمام پیامبران را هدایت مردم به صراط مستقیم دانسته‌اند و آن را به عبودیت معنا نموده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۳). آیه «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، آیه ۶۱)، پرستش آفریدگار یگانه را طریقه مستقیم دانسته و توصیف ذاتی صراط به استقامت، از آن جهت است که طریقه پرستش، بر وفق فطرت و بر طبق عبودیتِ تکوینی است (داورپناه، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۸۳). رهبر معظم انقلاب، ضمن توصیه به حرکت در صراط مستقیم جهت هدایت انسان، چنین فرمودند: «باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید؛ البته این عبودیت، در زمینه اخلاق، در زمینه عمل فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد» (پایگاه

اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۳.

این مهم، طبق بیانات ایشان، اولین وظیفه عالم دینی است:

«امروز علمایی که مشغول تحصیل علم دین و حقایق دینی هستند و نیز فضلاء حوزه‌ها و علمای شهرستان‌ها، توجه کنند که اولین وظیفه عالم دینی، تبلیغ است و علم دین، برای تبلیغ است» (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

شرایط مبلّغ دین

۱. همراهی ایمان و عمل

«ایمان» در قرآن، به معنای تصدیق به یگانگی خدا و رسالت پیامبران و نیز تصدیق روز جزاست که با پیروی عملی همراه است. به همین جهت، در قرآن هرجایی که از صفات نیک مؤمنان یا پاداش جمیل آنان یاد شده، کنار آن، به عمل صالح نیز تصریح گردیده است (رعد، آیه ۲۹)؛ از جمله می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، آیه ۹۷). گفتنی است که ایمان، کامل نیست؛ مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده‌ایم نیز پایبند باشیم؛ زیرا ایمان، علم توأم با

سکون و اطمینان به آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۶). از دیدگاه مقام معظم رهبری، ایمان بر دو گونه است: ایمان ثابت و ایمان عاریه‌ای. ایمان ثابت، ایمان قلبی متکی به استدلال و بینش عمیق است که با عمل صالح پشتیبانی می‌شود؛ اما ایمان عاریه‌ای، بر پایه احساسات و بدون منطق و علم است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۳/۸/۲۰). از نظر ایشان، اگر مبلّغ بخواهد مردم را موعظه نماید، لازمه آن در درجه نخست، تأثیرپذیری خود اوست. برای کسی که قصد بیانگری احکام و معارف دین است، تهذیب نفس، یک امر الزامی است؛ به بیان دیگر، کردار او باید شاهی بر صدق گفتارش باشد و آن را تقویت کند (پایگاه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۳۷۰/۴/۲۰).

آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت، آیه ۳۳)، در مقام تعریف و ستایش اشخاصی است که دارای سه عمل باشند: اول، مردم را به سوی خدا دعوت و ارشاد نمایند و طریق سعادت و هدایت را به آنان بیاموزند و ایشان را از کج‌روی، به طریق مستقیم شریعت رهبری کنند. چنین کسی، از «داعیانِ اِلی

الله» به شمار می‌رود و کلام او، از بهترین سخنان است و عملش، از بهترین اعمال خواهد بود (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ش، ج ۱۱، ص ۳۳۱-۳۳۲). شایان ذکر است که لفظ آیه، عمومیت دارد و شامل همه کسانی می‌شود که به سوی خدا دعوت می‌کنند؛ اما باید توجه داشت در بین این داعیان به سوی خدا، ممکن است کسی یافت شود که نیتی فاسد داشته باشد. معلوم است که چنین دعوتی، «احسن القول» نیست. به همین جهت، دنبال جمله نامبرده، فرموده: «وَعَمَلٌ صَالِحاً»؛ یعنی به شرطی که خودش هم عمل صالح داشته باشد. اساساً عمل صالح، بیانگر این است که صاحبش، نیتی صالح دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۹۱).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴). طبق این روایت، خداوند متعال عملی را جز با معرفت نپذیرد و ایمان و معرفت نیز توأم با عمل، اثربخش است. از نظر مقام معظم رهبری، مبلّغ دین و مبیین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید گویای ایمان و

بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام

اخلاص و صفایش باشد. ایشان پیشگام بودن علمای دین در هرکاری را به جهت عمل نیکان و اخلاص علمای گذشته دانسته‌اند که توانسته‌اند با ایمان خود، مردم را به سوی حق جلب نمایند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷). از نظر ایشان، چگونه عمل کردن مبلّغ نیز بسیار مهم و قابل توجه است. رفتار، نشست و برخاست، معاشرت، نگاه و عبادت مبلّغ، دلبستگی یا دلبسته نبودن وی به تنعمات دنیایی، رساترین تبلیغ یا ضدّ تبلیغ است؛ اگر اینها درست باشد، تبلیغ است و چنانچه نادرست باشد، ضدّ تبلیغ است (همان، ۱۳۸۴/۱۱/۵).

۲. برخورداری از علم و بینش دینی

تبلیغ، یکی از عوامل ترویج دین است که باید از روی تفقه و آگاهی عمیق باشد. در آیات و روایات، بر اهتمام به علم‌اندوزی و اهمیت تعلیم و تعلّم، تأکید بسیاری شده است. اوّلین آیاتی که پس از بعثت و در غار حرا بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، در خصوص تعلیم و تعلّم بود: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، آیه ۴-۵). امام علی علیه السلام کمال دین را در طلب علم و عمل دانسته و در این

بارہ فرمودہ: «إِنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ بِهِ» (ابن شعبہ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹). فراگیری علوم دینی، در سه بخش: «اعتقادات»، «اخلاق» و «احکام»، از لوازم امر تبلیغ است کہ مبلّغ باید بہ آن آگاہی داشته باشد؛ چنان کہ قرآن کریم در آیہ ۱۲۲ توبہ نیز بہ اہمیت و لزوم کوچ برای فراگرفتن علم دین اشارہ نمودہ است و در پایان، قید می کند کہ این تفقّہ و فراگرفتن علم، برای آن است کہ مردم را انذار کنند و از مخالفت امر الہی بر حذر دارند (قرشی، ۱۳۱۷ش، ج ۵، ص ۱۹۹). در حقیقت، این آیہ، امر بہ سفر کردن برای تحصیل علم و فقہ، از راہ وسایل و اسباب ظاہری است؛ نہ از راہ تفضّل الہی (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش، ص ۴۹۵). همچنین، مقصود از تفقّہ در دین، فہمیدن ہمہ معارف دینی از اصول و فروع آن است؛ نہ خصوص احکام عملی کہ امروزہ در لسان علمای دین، کلمہ «فقہ» صرفاً اصطلاحی برای بیان احکام عملی شدہ است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۰۴).

خداوند متعال در آیہ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، آیہ ۴۳)، در مقام بیان یکی از اصول عقلایی است کہ عبارت از وجوب رجوع جاہل در ہر فنی بہ عالم در

آن فن است. علامه طباطبایی، ذیل این آیه قائل است که این دستور، دستور تعبدی و امر مولوی نبوده که بخواهد بدون ملاک عقلی به جاهل دستور دهد که به عالم مراجعه کن؛ نه به غیر او (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۵۹). در حقیقت، «اهل الذکر»، علمای هر علم هستند؛ به عنوان مثال، در علم فقه، مراد استفتا از ناحیه عوام در احکام فقهی است و در سیر و سلوک عرفانی، مراجعه به عارف، منظور است (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۹۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذیل این آیه فرمودند: روا نیست که عالم بر علمش سکوت کند و جاهل نیز بر جهلش ساکت باشد؛ بلکه باید سؤال نماید (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۹؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۲۰).

مقام معظم رهبری، اصل مسئله تبلیغ را ناظر به عمل، همراه با بصیرت و یقین دانسته‌اند و یقین را ایمان قلبی متعهدانه دانسته‌اند که بر پایه بصیرت و یقین، حرکت انجام می‌گیرد. از نظر ایشان، اگر بصیرت و یقین باشد، اما کاری انجام نگیرد، این، مطلوب نیست و تبلیغی واقع نشده است. از سوی دیگر، اگر چیزی تبلیغ شود، اما بدون بصیرت و یقین باشد، باز هم پایه تبلیغ دینی خراب است و

مطلوب به دست نخواهد آمد؛ بلکه ایمان باید با بصیرت همراه باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲). از نظر ایشان، چون مبلغ قصد دارد سطح فکر مردم را در مسائل اسلامی بالا ببرد، باید آگاهی و بینش دینی وسیع و متنوعی داشته باشد؛ یعنی با قرآن مأنوس باشد، در احادیث غور نماید، با تازه‌های مربوط به مذهب و دین آشنا باشد، اهل تحقیق درباره مسائل دینی باشد و افزون بر این، از اندیشه‌های فلسفی و بینش‌های اجتماعی نیز اطلاع داشته باشد (همان، ۱۳۷۰/۴/۲۰). بنابراین، ارشاد مردم و تبلیغ دین در جامعه، در گرو داشتن آگاهی عمیق به مبانی دینی است.

۳. تقویت معنویت و اخلاص

تبلیغ دین و تبیین حقایق اسلام، وظیفه علما و مبلغان است که اساس آن، بر اخلاق و اخلاص مبلغ استوار است. اخلاص مبلغ، امر مهمی در فرآیند تبلیغ است و تأثیر بسزایی در نفوذ کلام او دارد. در این صورت است که حکمت، از قلب بر زبانش جاری خواهد شد و موجب تحول دیگران می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت اخلاص چنین فرمودند: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا

بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام

جَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۶۹). مبلّغ دین، باید قبل از اقدام به امر تبلیغ، درون خویش را جلا دهد و از رذایل اخلاقی به دور و به فضایل معنوی آراسته باشد. امام صادق علیه السلام در حدیثی در این باره فرمودند: «أَحْسَنُ الْمَوَاعِظِ مَا لَا يَجَاوِزُ الْقَوْلُ حَدَّ الصِّدْقِ وَالْفِعْلُ حَدَّ الْإِخْلَاصِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۰۳). طبق این کلام نورانی، بالاترین اندرزها آن است که سخن از مرز راستگویی، و عمل از مرز اخلاص فراتر نرود. مقام معظم رهبری، مهم‌ترین نکته در امر تبلیغ جهت اصلاح دیگران را تأدیب نفس و اصلاح درون دانسته‌اند و مراد از اصلاح نفس را اصلاح مردم از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه بیان نموده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۶۹/۱/۴).

معظم‌له، اساس کار تبلیغ را اخلاق معرفی نموده؛ تا انسان‌ها در این فضا تربیت شوند، اخلاق آنها تعالی پیدا کند، به خدا نزدیک‌تر شوند و قصد قربت کنند (همان، ۱۳۷۷/۲/۲). عمل مخلصانه، بر شکل‌گیری و تکامل جان انسان تأثیری حقیقی می‌گذارد؛ نه قراردادی و اعتباری (نراقی، ۱۳۸۳ق، ج ۲،

ص ۴۰۵). قرآن کریم در آیه «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (غافر، آیه ۱۴)، دستور داده که خداوند را بخوانید و به پرستش او قیام نمایید؛ درحالی که طاعت خویش را برای او خالص کننده باشید (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۱، ص ۲۸۸-۲۸۹). رهبر معظم انقلاب، در باره اهمیت اخلاص برای مبلّغ چنین فرمودند:

در عین حال، جوهر کار در میان ما روحانیت شیعه، یک جوهر ویژه است. احساس تکلیف الهی، بیشتر موجب می شود که کسی اقدام به تبلیغ کند. اگر اهل اخلاص و تقرب به خدا و توجه به منافع معنوی تبلیغ باشد، جلو او میدان کار باز می شود. این، فرصت قابل توجهی است که در اختیار ماست (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

از نظر ایشان، آنچه برای طلبه ها همیشه شوق آفرین می باشد، احساس انجام وظیفه است (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۵). خداوند متعال در آیه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب، آیه ۳۹)، فرموده که انسان در تبلیغ رسالت های

پروردگار نباید از کسی کمترین وحشتی داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۷، ص ۳۳۰). خشیت، حالتی است که از پی بردن به عظمت آفریدگار و جلال او به انسان با معرفت دست می‌دهد (رکنی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰). «خشیت از پروردگار»، مقامی است که حتی در فرض عدم حسابگری روز قیامت، عالم را به بندگی و رعایت شئون آن می‌کشاند؛ معنایی که بیشتر مردم، فاقد آن می‌باشند (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳). رهبر معظم انقلاب، خشیت الهی را لازمه امر تبلیغ دانسته‌اند که باید برای خدا و در راه خدا و برخاسته از تعلیم الهی باشد که در غیر این صورت، به گمراهی می‌انجامد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲). در حقیقت، مبلّغ باید در تمامی رفتارهای خود در امر تبلیغ، رضای خداوند را در نظر بگیرد و نیت و عملش، رنگ خدایی داشته باشد.

روش‌های تبلیغ دینی

مبلّغ در مسیر تبلیغ دینی، با افراد مختلفی از اقشار جامعه مواجه می‌شود که در میزان تحصیلات، فرهنگ، سن، شغل و دیگر امور، متفاوت از یکدیگر هستند و دیدگاه‌های گوناگونی به مسائل دارند. در

این راستا، مبلّغ باید با توجه به مخاطبانی که با آنان روبه‌روست، به انتخاب راه ابلاغ پیام خود بپردازد. آگاهی به روش‌ها و فنون تبلیغ، متناسب با نیاز مخاطبان، از بایسته‌های تبلیغ دینی است که گام مؤثری در پیش‌برد اهداف تبلیغی ایفا می‌کند.

۱. موعظه

موعظه، یکی از روش‌های عام و مؤثر در تربیت اسلامی است که به شهادت آیات قرآن، پیامبران الهی به فرمان خداوند در تبلیغ و هدایت مردم از آن فراوان بهره برده‌اند. قرآن کریم، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت روحی انسان‌ها را «موعظه و اندرز» می‌داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش نموده است؛ هرچند خود قرآن، کتاب موعظه و اندرز است که از طرف پروردگار برای شفای بیماری‌های درونی انسان و کسب فضایل اخلاقی نازل شده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (یونس، آیه ۵۷). مراد از موعظه در این آیه، بیان آن چیزهایی است که حذر کردن از آنها لازم و یا رغبت به آنها واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۱۷۷).

مقام معظم رهبری، یکی از اشرف فنون را فنّ تبلیغ دین و گویندگی معارف دینی و اسلامی بیان نموده‌اند و هدف از حرفه تبلیغ و گویندگی دینی را موعظه برای تزکیه مردم و تبیین معارف دینی برای بالا رفتن سطح آگاهی دینی مردم دانسته‌اند. از نظر ایشان، منبر رفتن و سخن گفتن در امر دین، جزء شریف‌ترین کارهاست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۰/۴/۲۰).

خداوند متعال، آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ

إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ

يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، آیه ۹۰) را با جمله «يَعِظُكُم

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» ختم نمود؛ یعنی هدف از موعظه الهی، این است که متذکر شوید و بدانید آنچه خدا شما را بدان می‌خواند، مایه حیات و سعادت شماست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۳۳). در حقیقت، طبق این آیه، موعظه خداوند برای متذکر شدن انسان‌هاست تا به راه سعادت و کمال هدایت شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهمیت موعظه را چنین بیان فرمودند: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِحَلْقِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۸). طبق این روایت، بلندمرتبه‌ترین مردم نزد

خداوند در روز قیامت، کسی است که در روی زمین بیشتر در نصیحت و ارشاد مردم قدم بردارد.

۲. ارائه الگو

ارائه الگوهای دینی، از دیگر فنون تبلیغ است که نقش مؤثری در الگوپذیری صحیح انسان‌ها ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری، بیان مصائب حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام، یعنی ارائه الگویی به مردم برای کیفیت بخشیدن به حرکت در راه هدف‌های بزرگ را از فنون تبلیغ دین اسلام شمرده‌اند که جزء شریف‌ترین هدف‌هاست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۰/۴/۲۰). ایشان در مورد الگوپذیری از قیام امام حسین علیه السلام چنین فرمودند:

ماجرای حسین بن علی علیه السلام، حقیقتاً موتور حرکت قرون اسلامی در جهت تفکرات صحیح اسلامی بوده است. هر آزادی‌خواه و هر مجاهد فی سبیل الله و هر کس که می‌خواسته است در میدان خطر وارد بشود، از آن ماجرا مایه گرفته و آن را پشتوانه روحی و معنوی خود قرار داده است (همان).

از نظر ایشان، مبلّغان، زیر نام حسین بن علی علیه السلام تبلیغ می‌کنند و از این رهگذر، می‌توانند در سطوح

بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام

مختلف به تبلیغ دینی همت بگمارند. رهبر معظم انقلاب، راه نفوذ در امر تبلیغ را تمام چیزهایی دانسته‌اند که در اسلام به عنوان ارزش، مورد تأکید و توصیه حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام قرار گرفت؛ چنان‌که تمامی پیغمبران و اولیای الهی دیگر و وجود مقدس رسول‌الله صلی الله علیه و آله نیز همین‌طور عمل کردند و البته حسین بن علی علیه السلام را باید مظهر یک قیام کامل الهی دانست. ایشان، هدف تبلیغ را بیان ارزش‌ها و اخلاق دینی و همه اموری دانسته‌اند که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین اسلام نقش ایفا می‌کند (همان، ۱۳۸۴/۱۱/۵).

خداوند متعال در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، آیه ۲۱)، به بهره‌گیری مثبت از غرایز نفسانی دعوت نموده است؛ به عنوان مثال، غریزه تقلید و شباهت‌گرایی در انسان که قرآن آن را تحت عنوان پیروی از نمونه‌ها و سمبل‌های شایسته یاد نموده و در واقع، از الگوهای ناشایست، مانند جاهلان و فاسقان بر حذر داشته و آدمی را به مقام امن، یعنی پیروی از نمونه‌های پاک و تأسی به پیامبران و صدیقین و شهیدان و صالحان که هم‌نشینان و یاران نیکویی هستند، هدایت می‌کند

(زرقانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۹). یکی از احکام رسالت رسول خدا ﷺ و ایمان آوردن به او، این است که باید به گفتار و رفتار آن حضرت تأسی جست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۸۸). از شئون الگو گرفتن از اولیا، انبیا و امامان معصوم ﷺ، اطاعت‌پذیری و پذیرش ولایت آن بزرگواران است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز به این مهم تصریح نموده‌اند و پیوند، ارتباط و معرفت را زیرمجموعه ولایت برشمرده‌اند (پایگاه حوزه، ۱۳۸۸/۹/۲۲). ایشان همچنین، مودت به اهل‌بیت ﷺ را پشتوانه ولایت دانسته‌اند که اگر مودت نباشد، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته خواهد شد. با توجه به اهمیت بحث مودت، بیان ماجرای مصیبت‌های اهل‌بیت ﷺ، نوعی ایجاد ارتباط عاطفی است که از اهمیت بسزایی برخوردار است (همان).

۳. بیان خوف و رجا

امام سجاده ﷺ، در یکی از دعا‌های صحیفه سجادیه عرضه داشت: «يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ، وَبِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ أَوْ كَدُ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ، لَا أَنْ يَكُونَ يَأْسُهُ قُنُوطاً» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۹). ایشان در این دعا، به خوف و رجاى خویش اشاره نموده و بیان کرده که خوف ایشان، بیشتر از

طمع و رجاست. البته باید توجه داشت که نومیدی امام، از باب یأس از رحمت الهی نیست. مقام معظم رهبری نیز به خوف همراه با رجا در امر تبلیغ اشاره نموده و فرموده‌اند:

خوف را همراه رجا، حتماً به دل‌ها بدمید و خوف را بیشتر. اینکه ما آیات رحمت الهی را بخوانیم و یک عده‌ای را غافل کنیم و نتیجه‌اش این بشود که خیال کنند غرق در معنویت‌اند و از واجبات و ضروریات دین در عمل غافل بمانند، درست نیست. در قرآن، بشارت، مخصوص مؤمنین است؛ اما انذار، برای همه است؛ مؤمن و کافر، مورد انذارند. پیغمبر خدا گریه می‌کند. شخصی عرض می‌کند: یا رسول‌الله! خداوند فرمود: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ.» این گریه، برای چیست؟ عرض می‌کند: «أَوَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَاكِرًا»؛ یعنی اگر شکر آن مغفرت را نکنم، پایه آن مغفرت، سُست خواهد شد. در همه حال، انذار باید بر دل ما و مستمعان ما حاکم باشد. راه، راه دشواری است. بشر بایست خود را برای پیمودن این راه، و رسیدن

معنویت و تبلیغ دینی

به آن سرمنزل، آماده کند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۴/۱۱/۵).

بنابراین، توجه به انذار و تبشیر در کنار هم، یک اصل اساسی در امر تبلیغ است که نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ زیرا بی‌توجهی به این مسئله، موجب جسارت بر گناه و امید بیش از حد به رحمت خداوندی و یا یأس بیش از حد از مغفرت الهی می‌شود. خداوند متعال در آیه «رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء، آیه ۱۶۵) می‌فرماید: پیامبران را بشارت‌دهنده و انذارکننده قرار دادیم تا به رحمت و پاداش الهی، مردم را امیدوار سازند و از کیفرهای او بیم دهند و از این رهگذر، بر مردمان اتمام حجت شود و آنان هیچ بهانه‌ای نداشته باشند (بابایی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۴۷۷).

مقام معظم رهبری همچنین، وظیفه مبلّغ دین و پیام‌آور حقیقت را در ایجاد نگاه امیدوارانه مردم به آینده و از بین بردن ناامیدی از آنها دانسته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۳).

۴. توجه به ابزارهای متنوع و مناسب

با توجه به اینکه برای هر حرفه و فنی، ابزار مناسب

با آن وجود دارد و بدون آن ابزار، رسیدن به مقصود و ایجاد تحول و حرکت میسر نخواهد بود، آگاهی از ابزار مورد نیاز تبلیغ نیز امری قابل توجه در موفقیت ابلاغ پیام الهی است. آگاهی از ابزارهای تبلیغ و جدیدترین شیوه‌ها و روش‌ها، به مبلّغان این امکان را خواهد داد که افزون بر هدایت جامعه اسلامی به سوی سعادت و سلامت معنوی، از ورود افکار و اندیشه‌هایی که بر مبنای دین‌گریزی یا دین‌ستیزی است، ممانعت نمایند. مقام معظم رهبری، تبلیغ را دارای انواع و اقسامی دانسته‌اند که در هر شرایطی، نحوه رساندن به گونه‌ای است که از طریق ابتکار و ذوق و سلیقه و فهم و سرعت انتقال انسان قابل فهم است (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۵). از نظر ایشان، تبلیغ دارای سطوح مختلفی است: یک سطح، برای عامه مردم است. سطح دیگر، مربوط به کسانی که تا حدودی از معرفت و آگاهی برخوردارند و یک سطح نیز مربوط به کسانی است که اگرچه در علم دین آگاهی و معرفتی ندارند، ولی در رشته‌های علوم دیگر یا فنون مختلف زندگی، اشخاص برجسته‌ای محسوب می‌شوند. از منظر رهبر معظم انقلاب، مبلّغ دین با قشرهای مختلفی مواجه است و فقط

با مردم عامی روبه‌رو نیست؛ بلکه با افرادی که از معرفت و دانش و تجربه خوبی برخوردارند نیز مواجه می‌شود (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷)؛ همچنان‌که قرآن کریم نیز دارای سطوح مختلفی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللَّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۳).

طبق این روایت، محتوای قرآن، بر چهار قسم است: «عبارت» که برای عوام قابل فهم است. «اشارت» که برای خواص قابل درک است. «لطایف» که مختص اولیای خداست و «حقایق» که از آن انبیای الهی است. داستان موسی و خضر نبی علیه السلام، از داستان‌های مورد توجه قرآن کریم است که بیانگر سطوح مختلف انسان‌ها در درک و فهم امور است. بنابراین، تبلیغ از نظر مقام معظم رهبری، یک فن است که به تعلیم و فراگیری جهت به‌روز شدن نیازمند است؛ یعنی باید فن تبلیغ را آموخت و تکمیل نمود (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷). در همین راستا، یکی از ابزارهای مورد توجه رهبر انقلاب، ابزار هنری

است که باید با محتوای عالی توأم باشد. ابزارهای مناسب، باید همراه ذوق و سلیقه، ابتکار، خلاقیت، فهم موقعیت و بیان همسو با مقتضای حال باشد (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۵). مقام معظم رهبری، بعضی از مسائل دینی چون: اخلاقیات، معارف دینی و امور سیاسی را مورد نیاز عموم افراد دانسته‌اند که به قشر خاص و محلّ معینی اختصاص ندارد؛ اما بعضی از موضوعات را متعلق به بعضی از مخاطبان، از قبیل روشنفکران، جوانان و دانشجویان می‌دانند و یک مبلّغ آگاه، باید به این نکات کلیدی توجه داشته باشد (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

نتیجه

دین اسلام، به عنوان آخرین شریعت الهی و کامل‌ترین آنها، همواره پاسخگوی نیاز بشر بوده و هست و تبلیغ دین، به معنای رساندن پیام‌های خداوند به بندگان، در مرحله نخست، بر عهده پیامبران و اوصیای آنان، و در مراحل بعد، بر عهده عالمان و مبلّغان دین است. بر این اساس، بهره‌گیری از بسترهای نوین در زمینه‌های مختلف جهت ارتقای سطح کیفی محتوای تبلیغ، امری بایسته

معنویت و تبلیغ دینی

است. افزون بر قرآن، در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز بر جایگاه تبلیغ دین و نقش آن در هدایت و تربیت مردم تأکید شده است و امروزه نیز رهبر معظم انقلاب، به عنوان پیشوای جامعه کنونی، بایسته-های تبلیغ را عاملی جهت کارآمدی بیشتر در احیای ارزش‌های دینی دانسته‌اند. آموزش تعالیم دینی، موعظه و تذکر اخلاقی و تقویت احساسات و عواطف دینی، مهم‌ترین کارکردهای تبلیغ دینی است که در موفقیت مبلّغ دین و مواجهه صحیح با مخاطبان، از اهمیت وافری برخوردارند. همان‌طور که روش و محتوای درست تبلیغ دین، حیات‌بخش است، انحراف از آن نیز خسارت‌بار خواهد بود. جامعه امروز، همواره نیازمند آن است که مبلّغ دینی، روش‌های تبلیغی خویش را به‌روز و کارآمد نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. صحیفه سجادیه.

۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، *النهاية فی*

غریب الحدیث والّاثر، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اوّل، تهران، نشر جهان.

۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.

۷. ابن عجیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اوّل، قاهره، دکتر حسن عباس زکی.

۸. امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، چاپ اوّل، تهران، نهضت زنان مسلمان.

۹. بابایی، احمد علی، ۱۳۸۲، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیة، چاپ اوّل، بیروت، دار العلم للملایین.

۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنا عشری، چاپ اوّل، تهران،

انتشارات میقات.

۱۲. حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ق،
انوار درخشان، چاپ اوّل، تهران، کتابفروشی
لطفی.

۱۳. حقّی بروسوی، اسماعیل، بی‌تا، تفسیر روح
البیان، چاپ اوّل، بیروت، دار الفکر.

۱۴. داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵ش، *انوار العرفان فی*
تفسیر القرآن، چاپ اوّل، تهران، انتشارات صدر.

۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *أعلام الدین*
فی صفات المؤمنین، چاپ اوّل، قم، مؤسسه آل
البیت علیه السلام.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق،
المفردات فی غریب القرآن، چاپ اوّل، دمشق، دار
العلم الشامیة.

۱۷. رکنی، محمد مهدی، ۱۳۷۹، *آشنایی با علوم قرآنی*،
چاپ اوّل، تهران، سمت.

۱۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، بی‌تا، *مناهل العرفان*،
چاپ اوّل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۹. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی*

التفسیر المأثور، چاپ اوّل، قم، کتابخانه آیت‌الله
مرعشی نجفی.

۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان
فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

۲۱. _____، ۱۳۵۳، قرآن در اسلام،
تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع
البيان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران،
ناصر خسرو.

۲۳. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، أطيّب
البيان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران،
انتشارات اسلام.

۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، چاپ
دوم، قم، انتشارات هجرت.

۲۵. قاسمی، محمد جمال‌الدین، ۱۴۱۸ق، محاسن
التأویل، چاپ اوّل، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۲۶. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۲ش، قاموس قرآن، چاپ
ششم، تهران، دار الکتب الاسلامی.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.

۲۸. کمالی دزفولی، علی، ۱۳۷۰ش، *شناخت قرآن*، چاپ اول، تهران، اسوه.

۲۹. مراغی، احمد بن مصطفی، بی‌تا، *تفسیر المراغی*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۰. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۸ق، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد، الجامعة الرضوية فی علوم الاسلامیة.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

۳۲. میبدی، رشیدالدین احمد بن سعد، ۱۳۷۱ش، *کشف الأسرار وعدة الأبرار*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۳. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر، ۱۳۸۳ق، *جامع السعادات*، قم، اسماعیلیان.

۳۴. نقی‌پورفر، ولی‌الله، ۱۳۸۱، *پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن*، چاپ اول، تهران، اسوه.

بایسته‌های تبلیغ و مبلّغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام

۳۵. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک
الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول، قم،
مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، نشانی: www.hawzah.net

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت
آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، نشانی:

www.farsi.khamenei.ir

۳. پایگاه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نشانی:

www.isna.ir

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری حجّه الله

خدیجه عباسی*

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه امام جماعت به مثابه رهبر معنوی و اجتماعی در اداره امور مسجد و تربیت نسل‌های مؤمن و انقلابی می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، تحلیل ویژگی‌های کلیدی امام جماعت موفق در دو بُعد شخصیتی و راهبردی شامل شرح صدر، حسن خلق، انتقادپذیری، مدیریت زمان و تقسیم وظایف و تأثیر این ویژگی‌ها بر عملکرد وی در هدایت امور و جذب نسل جوان است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، روایات اسلامی و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب تنظیم شده است. نتایج نشان می‌دهد

* دانش‌آموخته سطح ۳ فقه و اصول جامعة الزهراء ع.

معنویت و تبلیغ دینی

موفقیت امام جماعت در گرو توانایی ایجاد ارتباط مؤثر با مردم، پذیرش انتقادات سازنده و واگذاری وظایف به نسل جوان با هدف پرورش استعدادها و مسئولیت‌پذیری آنهاست. افزون بر این، برخورداری از اخلاق نیکو و سعه صدر در مواجهه با مشکلات، نه تنها موجب ارتقای مدیریت امور مسجد می‌شود، بلکه زمینه افزایش اعتماد عمومی و تقویت جایگاه معنوی امام جماعت در میان نمازگزاران را فراهم می‌آورد. امام جماعت باید با تدوین برنامه‌های هدفمند و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، نقشی فعال در تربیت اخلاقی و اجتماعی افراد ایفا کند. این امر ضمن بهبود مدیریت مسجد، موجب تقویت پیوندهای اجتماعی و تحکیم ارزش‌های دینی در جامعه می‌شود.

کلیدواژگان: امام جماعت، شرح صدر، تربیت نسل جوان، ارزش‌های دینی، رهبر معنوی، پیوندهای اجتماعی.

مقدمه

امام جماعت یکی از ارکان اساسی توسعه و کارکردهای مسجد است؛ ازاین‌رو در صورت داشتن ویژگی‌های لازم، می‌تواند با ایجاد تغییرات مثبتی در جوانان، آنان را به مشارکت فعال در مسجد و آشنایی عمیق با معارف دینی ترغیب کند؛ همچنین امام جماعت می‌تواند با برنامه‌ریزی و اجرای مؤثر، حضور و مشارکت مردم در فعالیت‌های مسجد را افزایش دهد؛ از سوی دیگر نیز شخصیت اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی او در تعامل با جوانان نقش کلیدی در شکل‌گیری نگرش آنان به دین و مسجد دارد.

ائمه جماعات امروزه و در شرایط کنونی به‌مثابه فرماندهان جهاد فرهنگی عمل می‌کنند. موفقیت آنان مستلزم شناخت دقیق راهبردهای دشمن و برنامه‌ریزی هدفمند برای پیشگیری از تأثیر فعالیت‌های ضدفرهنگی است. امام جماعت موفق افزون بر ویژگی‌های بنیادی و ضروری، باید خصوصیات دیگری نیز داشته باشد که در پژوهش حاضر با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب

اسلامی بررسی شده‌اند.

پیشینه

نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع حاضر، مقاله «مدیریت مسجد: تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی» است (طالقانی، ۱۳۸۹ش). در این پژوهش، شایستگی‌های کلیدی کارگزاران مسجد با روش ترکیبی شامل مصاحبه اکتشافی، مشاهده و نظرسنجی از خبرگان شناسایی شده است؛ نویسنده اطلاعات را از منابع علمی و دینی گردآوری و شایستگی‌های امام جماعت را در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرده است: فضایل رفتاری و اخلاقی، تمایل و انگیزش و دانش و مهارت‌ها.

همایون (۱۳۸۶ش) در پژوهش «نقش محوری مساجد در تأمین اهداف چندمنظوره» به بررسی فرایند پرورش منابع انسانی در مسجد پرداخته است و فرایند جذب، پرورش و ارتقای افراد فعال در مسجد صنعتگران مشهد را تحلیل می‌کند. فعالی (۱۳۹۳ش) در کتاب مسجد و سبک زندگی، شایستگی‌های امام جماعت را در چهار محور اصلی هدفمندی، فضایل اخلاقی و رفتاری، انگیزش و تمایل و دانش و مهارت معرفی می‌کند و برای هر

**نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}**

محور مؤلفه‌های فرعی مشخص کرده است.

جعفرزاده (۱۳۹۳ش) در مقاله «مسجد طراز اسلامی از منظر امام خمینی^{علیه السلام} و مقام معظم رهبری^{علیه السلام}»، شاخص‌ها و ویژگی‌های امام جماعت را به این ترتیب دانسته است: الگو و سرمشق بودن، مربی دلسوز، پرتلاش و پرکار، مردمی و جوان‌گرا، بصیر و معرفت‌بخش و وحدت‌آفرین. در سند «مسجد طراز اسلامی» نیز (یاوری، ۱۳۹۷ش) ویژگی‌های روحانی مسجد به این ترتیب بیان شده است: پرهیزکار، زاهد، خردمند، دارای سعه صدر، متانت و بلندنظری، مسئولیت‌پذیری، کارشناس و عالم دین (فقیه)، دلسوز، مشتاق و عاشق مسجد و کار امامت، قدردان و شاکر نعمت حکومت اسلامی و امیدوار به آینده‌ای بهتر.

نوشتار حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، با تمرکز ویژه بر نقش امام جماعت در توسعه و ترویج فرهنگ نماز با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری، به بررسی عملکرد، راهبردها و تأثیر امام جماعت در ارتقای فرهنگ نماز می‌پردازد؛ درحالی‌که پژوهش‌های پیشین بیشتر به شایستگی‌ها و

ویژگی‌های عمومی امام جماعت و فرایندهای منابع انسانی در مسجد محدود بوده‌اند.

اهمیت و جایگاه نماز جماعت

یکی از اصول اساسی شریعت اسلام، تقویت اتحاد و همبستگی میان مسلمانان است. از مهم‌ترین برنامه‌های تحقق این هدف، برگزاری نماز جماعت است که نقش بسزایی در ایجاد انسجام اجتماعی و همدلی میان افراد جامعه اسلامی دارد و در احادیث و روایات بارها بر اهمیت آن تأکید شده است؛ از جمله در یکی از روایات آمده است: «مَنْ تَرَكَ الْجَمَاعَةَ رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ: هر کسی بدون عذر و از روی بی‌توجهی نماز جماعت و اجتماع مؤمنان را ترک کند، نمازش پذیرفته نخواهد شد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۸۵، ح ۲). این تأکید نشان‌دهنده جایگاه والای نماز جماعت در تقویت روحیه جمعی و تحکیم روابط میان مسلمانان است.

نماز جماعت پیوند میان امام و امت را نشان می‌دهد و مسلمانان از طریق آن وحدت در گفتار، جهت، هدف و رهبری را می‌آموزند. این عبادت جمعی روحیه نظم، انضباط، وقت‌شناسی و

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}

صف‌بندی را تقویت می‌کند و اهمیت انتخاب امام جماعتی پرهیزکار، عالم، با تقوا و عادل را نمایان می‌سازد؛ بنابراین نماز جماعت، ابزاری آموزشی برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه است.

اسلام در مقایسه با سایر ادیان و مکاتب، بیشترین توجه را به رعایت حقوق انسانی معطوف داشته است؛ بنابراین از نظر قرآن، تجاوز به حقوق انسان امری ناروا و نکوهیده است (فجر: ۱۹) و کسانی که به این حقوق تجاوز می‌کنند، سزاوار مجازات هستند (شوری: ۴۲)؛ چراکه این‌گونه رفتار از مصادیق فساد و افساد در زمین است (بقره: ۶۰). همچنین از نظر قرآن، همه انسان‌ها از مرد و زن بی‌هیچ تفاوت در رنگ و نژاد و مانند آن دارای حقوقی هستند که هیچ تبعیض‌بردار نیست و تساوی در حقوق انسانی از امور ثابت است (حجرات: ۱۳؛ نساء: ۳۲). بنابراین یکی از اصول بنیادین اسلام، محترم‌بودن حقوق همه انسان‌ها در برابر یکدیگر است. (شوری: ۴۲) و این موضوع در قالب «حق‌الناس» در نظام عدالت اجتماعی خود مطرح شده است: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ اِلٰنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ اِسْطُ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ اَسِ

بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعِظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَيْأَسُ الضَّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ»

(سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۲۷). بر همین اساس یکی از مواردی که در هنگام برگزاری نماز جماعت باید رعایت شود، پایبندی به آداب و احکام مربوط به نماز از جمله رعایت مسائل مالکیتی و عدم غصب مکان نماز است؛ از این رو کسی که در ملک غصبی نماز می‌خواند، اگرچه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد، نمازش باطل است (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۳ش، م ۸۶۶ - ۸۶۹). به‌طور مشخص هنگامی که فردی سجاده خود را پیش از دیگران پهن می‌کند، دیگران حق ندارند آن مکان را اشغال کنند. این تعهدات که در نماز جماعت ملکه ذهن می‌شوند، به‌تدریج در سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی نفوذ می‌کنند و به رفتارهای اجتماعی ناخودآگاه تبدیل می‌شوند.

تعهد به حضور مستمر و منظم در نماز جماعت، تمرینی برای تقویت تعهدات فردی و اجتماعی است. این رفتار سبب ایجاد محیطی امن و آرام در زندگی شخصی و حرفه‌ای می‌شود، از تنش‌ها می‌کاهد و همبستگی اجتماعی را ارتقا می‌دهد. احساس مسئولیت فرد را به پایبندی به تعهداتش و حل

**نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}**

بسیاری از مشکلات اجتماعی وادار می‌کند. بر همین اساس در روایات توصیه فراوان به شرکت در نماز جماعت شده است؛ حتی شخصی نابینا وقتی از پیامبر اجازه خواست که به مسجد نیاید، آن حضرت فرمودند: «از خانه تا مسجد، ریشمانی ببندد و به کمک آن خود را به نماز جماعت برساند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۷۷)؛ همچنین نابینایانی که اجازه ترک شرکت در نماز را خواستند، رسول خدا اجازه نفرمودند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۵۵). از طرف دیگر برخورد شدید با کسانی که به نماز جماعت اهمیت نمی‌دهند، نشان دیگری بر اهمیت و سازندگی آن است؛ در روایتی نیز نقل شده است که مُعَرِّف چنین کسان نشوید. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنْ سُلِّتَ عَمَّنْ لَمْ يَشْهَدْ الْجَمَاعَةَ فَقُلْ: لَا أَعْرِفُهُ؛ اگر درباره کسی که به نماز جماعت حاضر نمی‌شود از تو سؤال نمودند، بگو من او را نمی‌شناسم» (قمی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۶۴).

نقش حضور امام جماعت در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی

با توجه به اهمیت محوری مساجد در مدیریت امور

جوامع اسلامی، نقش امام جماعت در جایگاه رکن اصلی مدیریت مسجد اهمیت ویژه‌ای دارد. تحلیل سیره معصومان نشان می‌دهد که مسجد کارکردهای اساسی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی داشته است؛ به‌ویژه در سیره نبوی پس از هجرت به مدینه، تأسیس مسجد نه تنها مکانی برای عبادت، بلکه مرکز فرماندهی راهبردی برای استقرار نظام اسلامی و تشکیل جامعه‌ای متحد بود (برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱). این امر نشان‌دهنده نقش برجسته مسجد و امام جماعت در هدایت و مدیریت همه‌جانبه جامعه اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقدند: «در مسجد، پیغمبر اکرم فقط برای نماز نمی‌رفت و بیرون نمی‌آمد؛ زمانی که مسائل اجتماعی و مهمی پیش می‌آمد، صدا می‌زدند: "الصلاة جامعة: به سوی محل نماز بروید". چرا؟ برای اینکه در مورد مسائل جنگ مشورت کنند، خبر دهند، همکاری کنند یا امکانات را بسیج نمایند و مسائل دیگر را پیگیری کنند مسجد پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است» (بیانات مقام معظم رهبری در

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}

دیدار ائمه جماعات استان تهران، ۳۱/۰۵/۱۳۹۵). درواقع پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} با تأسیس مسجد، نهادی عمومی را به وجود آوردند که مرکز ثقل حکومت اسلامی بود. حضرت محمد^{صلی الله علیه و آله} در جایگاه امام جماعت، وظیفه داشتند ارزش‌های دینی را در تمامی ابعاد جامعه پیاده کنند.

با توجه به کارکردهای متعدد مسجد، امام جماعت تنها پیش‌نماز نیست، بلکه باید آگاه به مسائل روز و نزدیک به ذهنیت جوانان باشد. او نقش نخ تسبیح را دارد که افراد را کنار هم قرار می‌دهد و افزون بر برگزاری عبادات، در جایگاه راهبر اجتماعی و فرهنگی در پیوند دادن و هدایت افراد در مسیرهای اجتماعی و دینی مؤثر است.

ویژگی‌های شخصیتی امام جماعت موفق

در این بخش به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی امام جماعت موفق اشاره می‌شود.

۱. پرهیزکاری

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «روحانی پرهیزکار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد

همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۷/۲۰). بنابراین یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام جماعت، پرهیزکاری و تقواست. تقوا بزرگ‌ترین سرمایه برای انجام فعالیت‌های سازنده، دستیابی به عزت دنیوی و کسب دستاوردهای مادی و معنوی به شمار می‌آید. این ویژگی امام جماعت را قادر می‌سازد تا با الگوبودن در زندگی فردی و اجتماعی، تأثیر مثبتی بر جماعت و جامعه داشته باشد.

مقام معظم رهبری در باب معنای تقوا می‌فرمایند: «معنای تقوا این نیست که انسان خیلی عبادت کند. ممکن است خیلی عبادت کردن بر تقوا مترتب شود، اما تقوا آن نیست. معنای تقوا این است که انسان در هر کار از تصمیم و عمل خود مراقبت کند؛ با مطالعه و با توجه بیندیشد که چه می‌خواهد عمل کند و پا را می‌خواهد کجا بگذارد. یک وقت انسان، مستانه و بدون توجه به اینکه چه کار می‌کند، حرکت و اقدام نماید یا تصمیم می‌گیرد یا می‌گوید یا انجام می‌دهد یا ترک می‌کند؛ یک وقت همه این کارها را با توجه به اینکه چه کار می‌کند، انجام می‌دهد. این دومی تقواست» (بیانات مقام

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^ع

معظم رهبری، در دیدار تشکّل‌های مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴. ایشان همچنین می‌فرماید: «تقوا آن‌گونه که در ترجمه‌ها رایج شده که درست هم هست، یعنی "پرواکردن" یا در تعبیرات معمولی [و متعارف] ما "ملاحظه کردن"؛ برای نمونه می‌گویند فلانی ملاحظه فلانی را دارد، یا شما ملاحظه فلان کس را دارید؛ پروا یعنی این. پرواکردن، ملاحظه کردن، معنای تقواست. **إِتَّقُوا اللَّهَ**؛ یعنی ملاحظه خدا را بکنید، پروا داشته باشید از خدای متعال. یک خطّ مستقیمی به شما نشان داده است در این حرکت عظیم حیات بشری که محفوف به مشکلات است. فرض کنید مثل زمینی که این گوشه و آن گوشه‌اش مین وجود دارد که یک راهی را باز می‌کنند، می‌گویند این راه، راه سلامت است، راه امنیّت است، از اینجا بروید؛ صراط مستقیم این است. ملاحظه خدا **إِتَّقُوا اللَّهَ**؛ یعنی حواستان باشد از این راه منحرف نشوید، کج و راست نشوید که گرفتار خواهید شد، مشکل برایتان درست می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۹۸/۲/۲۴).

با توجه به اینکه میزان ایمان و تقوا در گفتار، رفتار و عملکرد فرد تجلی می‌یابد، امام جماعت باید به آداب اسلامی پایبند باشد و با اخلاص، سنت‌های دینی را سرلوحه رفتار خود قرار دهد. او باید در تمام جنبه‌های زندگی از جمله در گفتار و رفتار، دستورات الهی را مراعات کند و در مسیر هدایت و ارشاد نمازگزاران و مردم، همواره از خط مستقیم و امنیت الهی خارج نشود. حرکت امام جماعت باید مطابق با اصول و خط‌مشی‌هایی باشد که آموزه‌های دینی تعیین کرده‌اند.

تخطی از این دستورات ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد و باعث بی‌دینی افراد یا بدبینی آنان به دین و آموزه‌های توحیدی شود. بی‌تردید تنها وسیله‌ای که می‌تواند امام جماعت را از این لغزش‌ها مصون نگه دارد، تقوا و پرهیزکاری است که باید در تمامی ابعاد زندگی او حضور داشته باشد.

۲. خردمندی

امام جماعتی موفق و سبب روح و حیات مسجد است که افزون بر ویژگی پرهیزکاری، خردمند نیز باشد. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «روحانی

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری علیه السلام

پرهیزکار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد
همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه
حیات مسجد است» (۱۳۸۹/۰۷/۲۰).

رهبر معظم انقلاب در تبیین مفهوم «خردمند»
در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
می‌فرماید: «اگر مردم معمولی بخواهند خردمندان را
معرفی کنند، می‌گویند خردمند آن کسی است که در
همه امور زندگی‌اش پیش‌رو است، در هیچ کار
سرش کلاه نمی‌رود، در کاسبی‌ها، در
سیاست‌بازی‌ها، در معارضه‌ها و مقابله‌های با
حریف‌ها، همه‌جا دستِ او روی دست
حریف‌هاست. قرآن اما چون هیچ‌یک از این
بازیگری‌ها را قبول ندارد، چون ارزش واقعی را برای
انسان، اتصال و ارتباط با خدا می‌داند، خردمند را به
این صورت معرفی می‌کند: خردمند از نظر قرآن آن
کسی است که این عالی‌ترین ارزش‌ها را بیش از
همه چیز و همه کس مورد نظر داشته باشد. **الَّذِينَ**
يَذْكُرُونَ اللَّهَ»، خردمندان آن کسانی‌اند که یاد می‌کنند
خدا را. **"قِيَامًا"** در حال ایستاده، **"وَقُعُودًا"** در حال
نشسته، **"وَعَلَى جُنُوبِهِمْ"** در حال به یک پهلو

افتاده، یعنی در همه حال به یاد خدایند. اما این به یاد خدا بودن به معنای یک حالت عرفانی خالصه‌آمیز درویش‌مآبانه نیست ... به یاد خدا بودن فعال. یاد خدا بودن که عمل محسوب می‌شود. "وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ" (آل عمران: ۱۹۱)؛ خردمندان آن کسانی‌اند که در حال تفکر باشند، بعد که این تفکر و اندیشمندی را انجام می‌دهند به زبان دل و زبان ظاهر می‌گویند پروردگار ما، این را به بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو از این کار که به بیهوده بیافرینی؛ یعنی مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه‌ی ایدئولوژی» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۷ش، ص ۷۱).

امام کاظم علیه السلام خردمند را این‌گونه معرفی می‌فرمایند: «يَا هِشَامُ إِنَّ أَلْعَاقِلَ لَا يَحْدُثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ وَلَا يَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ وَلَا يَعِدُ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَقَدَّمُ عَلَى مَا يَخَافُ فَوْتَهُ بِالْعَجْزِ عَنْهُ: خردمند به کسی که می‌ترسد تکذیبش کند، سخنی نمی‌گوید و از کسی که می‌ترسد مضایقه کند، چیزی نمی‌خواهد و وعده‌ای را که از عهده انجامش بر نمی‌آید، نمی‌دهد و به آنچه که در امیدواریش سرزنش شود، امید نمی‌بندد و به کاری که می‌ترسد در آن درماند، اقدام

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^ع

نمی‌ورزد» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۰).

بنابراین یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌های خردمند این است که رویکردی متفاوت در برابر دیگران دارند؛ اینان اساس کار خود را بر هدفی والا و ناب قرار می‌دهند و این هدف را با دیدگاه تشویقی و انگیزشی ترکیب کرده و سپس اقدام می‌کنند. این عمل و اقدام تنها محدود به یک سال خاص نیست، بلکه برای سال‌ها و حتی تمام عمرشان ادامه می‌یابد. امام جماعت خردمند با درک اینکه مسئولیت و کار خود را بر اساس هدفی مقدس بنا نهاده است، چشم‌اندازی روشن برای رسیدن به این هدف دارد و برای دستیابی به آن، روش‌ها و راهکارهای مناسب را به کار می‌گیرد.

۳. سَعَهُ صَدْر و حَسَن خَلْق

«شرح صدر» موهبتی الهی است که خداوند به پیامبران در هنگام بعثت عطا می‌کرد. این ویژگی معنوی و روانی، برای پذیرش مسئولیت سنگین مدیریت و هدایت مردم ضروری بوده است. بدون برخورداری از شرح صدر، تحمل دشواری‌های طاقت‌فرسای مسیر هدایت و ایفای نقش مؤثر در

این مسیر امکان‌پذیر نیست.

نخستین درخواست حضرت موسی علیه السلام از خداوند پس از مبعوث‌شدن به پیامبری، موهبت گشادگی سینه و به تعبیر قرآن، شرح صدر بود: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده و کارم را آسان گردان و گره از زبانم بگشا تا سخنم را بفهمند» (طه: ۲۵ - ۲۸).

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «من تقاضایی از پروردگارم کردم که دوست می‌داشتم این تقاضا را نمی‌کردم؛ عرض کردم: خداوند! جریان باد را در اختیار بعضی از پیامبران قبل از من قرار دادی و بعضی از آنها مردگان را زنده می‌کردند. خداوند به من فرمود: آیا تو یتیم نبودی، پناهت دادم؟ گفتم: آری. فرمود: آیا گمشده نبودی، هدایت کردم؟ عرض کردم: آری، ای پروردگار. فرمود: آیا سینه تو را گشاده و پشتت را سبک‌بار نکردم؟ عرض کردم: آری ای پروردگار» (طبرسی، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۵۰۸). این روایت نشان می‌دهد نعمت «شرح صدر» بالاتر از معجزات انبیاست.

«شرح صدر» ویژگی برجسته‌ای است که جلوه‌های متعددی دارد و در انجام وظایف پیچیده و

**نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}**

پرمسئولیت به روشنی آشکار می‌شود. این جلوه‌ها شامل شکیبایی، جسارت، آرامش روانی، امیدواری، و خستگی‌ناپذیری است. ائمه جماعتی که از این ویژگی بهره‌مند باشند، در مدیریت امور و مقابله با چالش‌های متنوع از موفقیت بیشتری برخوردار خواهند بود؛ همچنین آنها قادرند در برابر رفتارهای ناپسند و شرایط دشوار، واکنش‌های سنجیده و مناسبی ارائه دهند. امام علی^{علیه السلام} در کلامی نورانی می‌فرمایند: «**أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ**» سعه صدر ابزار ریاست است» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۱).

نتیجه طبیعی برخورداری از شرح صدر، برخورداری از خوش اخلاقی است؛ از این رو امام جماعت موفق کسی است که افزون بر شرح صدر به ویژگی‌هایی چون حسن خلق، تواضع و فروتنی آراسته باشد. او باید با گشاده‌رویی، برخورد نیکو و زبانی آکنده از مهر و محبت به تبلیغ و ارشاد پردازد و با رفتار خود تأثیر عمیقی بر مخاطبان بر جای گذارد.

رهبر معظم انقلاب به این ویژگی مهم برای امام جماعت توجه دارند و در ضمن بیاناتی می‌فرمایند: «همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به

پیش‌نمازهای مردمی است [که] با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش‌اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند؛ جواب مسئله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳).

۴. انعطاف و انتقادپذیری

پذیرش انتقاد و نصیحت مشفقانه از ویژگی‌های انسانی و اسلامی است که نقش اساسی در کاهش اختلاف‌ها و رفع آسیب‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. همان‌طور که نقد دقیق و سازنده موجب بهبود و رشد رفتارها و عملکردها می‌شود، انتقادپذیری نیز بستری برای افزایش خوش‌بینی و امیدواری برای اصلاح امور فراهم می‌آورد. تجربه نشان داده است مدیران و مسئولانی که با سعه صدر به استقبال انتقاد می‌روند و آن را می‌پذیرند، مدیریتی کارآمدتر و کامل‌تر از دیگران دارند و کمتر با مشکلات و نابسامانی‌ها مواجه می‌شوند؛ همچون زمین حاصلخیز که هم‌زمان از باران مستقیم و باران سرازیر از ارتفاعات بهره‌مند

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}

می‌شود، پذیرش انتقاد نه تنها از شخصیت فرد
نمی‌کاهد، بلکه نشان‌دهنده کمال عقل و شخصیت
اجتماعی و سیاسی اوست. پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} با آن
عظمت، همواره با اصحاب خود مشورت می‌کرد و
آرای مشفقانه آنان را به کار می‌بست (طباطبایی،
۱۳۹۶ش، ج ۴، ص ۷۰).

امیرالمؤمنین^{علیه السلام} نیز اصحاب خود را به اظهارنظر
دعوت می‌کرد و از آنها می‌خواست با نصیحت
صادقانه، وی را کمک کنند: «فَاعِينُونِي بِمُنَاصَحَةٍ خَلِيَّةٍ
مِنَ الْغَشِّ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ: مرا با نصیحت خالصانه و
سالم، از هرگونه شک و تردید، یاری کنید» (سیدرضی،
۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱۷).

بنابراین امام جماعت و مأمومین هر دو باید
آماده پذیرش نصیحت و انتقاد خیرخواهانه باشند؛
زیرا این ویژگی جزء جدایی‌ناپذیر موفقیت در
مدیریت امور است. نصیحت‌پذیری و انتقادپذیری
در جایگاه عواملی کلیدی هستند که موجب
می‌شوند ائمه جماعت با استقبال از انتقادهای
صادقانه، نقص‌ها و کاستی‌های موجود را شناسایی
کنند و به منظور اصلاح و بهبود مستمر در عملکرد

خود اقدام نمایند. این فرایند به تقویت فرایندهای مدیریتی و ارتقای کیفیت در مدیریت اجتماعی و دینی نیز کمک می‌کند.

راهبردهای امام جماعت در تقویت کارکردهای مسجد

در این بخش به برخی از مهم‌ترین راهبردهای امام جماعت در تقویت کارکردهای مسجد اشاره می‌شود.

۱. کارشناسی (خُبرگی)

«مدیریت محتوایی و معنوی مسجد بر دوش روحانی [امام جماعت] مسجد است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹)؛ بنابراین وظیفه هر مدیر این است که به‌دقت از حوزه مسئولیت، شرح وظایف و اختیارات خود آگاه باشد و اهداف و رسالتی را که باید برای دستیابی به آنها تلاش کند، به تفصیل بشناسد. آگاهی اجمالی یا دانستن کلیات برای اداره یک سازمان کافی نیست. بنابراین امام جماعت موفق باید فردی کارشناس باشد که با تسلط کامل بر جزئیات وظایف و اهداف خود، مسئولیت‌هایش را به‌درستی درک کند و با بصیرت و آگاهی کامل

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}

اقدام نماید.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ
كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا: هر
کسی بدون بصیرت و آگاهی عمل کند، مانند کسی
است که بی‌راهه می‌رود؛ از این‌رو هرچه شتاب کند،
از هدف دورتر می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳).
بنابراین امام جماعت باید از رسالت خطیر و نقش
خود آگاهی کاملی داشته باشد؛ برای مثال شناخت
انواع مخاطبان، خواسته‌ها و نیازهای متناسب با هر
مخاطب و همچنین روش‌های برخورد، معاشرت و
تعامل با آنان از جمله مواردی است که برخی از ائمه
جماعت ممکن است از آن غفلت کنند. این آگاهی و
دقت در شناخت و تعامل با افراد، ضروری است تا
امام جماعت بتواند به‌درستی وظایف خود را انجام
دهد و تاثیرگذار باشد.

البته برای انجام این رسالت و وظیفه افزون
آگاهی از مسئولیت، طرح و برنامه‌ریزی نیز ضروری
است. یک طرح و برنامه کامل و جامع باید شامل
اهداف و برنامه‌های کلی باشد؛ با این وجود
برنامه‌های اجرایی در سطوح درازمدت، میان‌مدت و

کوتاه مدت به طور دقیق و شفاف مشخص گردد. این برنامه ریزی جامع به امام جماعت امکان می دهد تا با درک دقیق از نیازها و اولویت ها، وظایف خود را به گونه ای مؤثر و هدفمند انجام دهد.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «قَدِّرْ ثُمَّ اقْطَعْ وَ فَكِّرْ ثُمَّ اَنْطِقْ وَ تَبَيَّنْ ثُمَّ اَعْمَلْ: ابتدا اندازه کن سپس ببر؛ بیندیش سپس بازگویی؛ و بسنج سپس به کار برخیز» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۰۰).

امام جماعتی موفق است که برای اقامه نماز، برگزاری مراسم، کلاس های معارف دینی، سخنرانی ها، بهداشت و نظافت، تأمین هزینه ها و سایر امور مربوط به مسجد، طرح و برنامه سالانه مشخصی داشته باشد. چنین امام جماعتی باید با دقت و کارشناسی این امور را مدیریت کند و با پیگیری مستمر به طور مؤثر آنها را اجرایی نماید. داشتن برنامه منظم و هدفمند در تمامی جنبه های مدیریتی مسجد، موجب کارایی بیشتر و جذب بیشتر نمازگزاران و اعضای جامعه خواهد شد.

ضروری است در فرایند برنامه ریزی، هیچگاه غرور و خودبزرگ بینی اجازه ندهد که فرد خود را از

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری علیه السلام

مشورت با صاحب نظران بی نیاز بداند. برخی افراد به دلیل دانش و تجربه فراوان در مدیریت، ممکن است دچار خودپسندی شوند و حتی در جلسات برنامه ریزی به نظرات دیگران بی توجه باشند؛ اما درحقیقت در فرایند برنامه ریزی باید از دیدگاه ها و تجربیات تمامی صاحب نظران بهره گرفت؛ زیرا افرادی که شاید دانش نظری یا تجربه عملی کمتری دارند، ممکن است پیشنهادات و انتقادات بسیار ارزشمندی داشته باشند. امام جماعت موفق کسی است که به تمامی طرح ها با دقت گوش فرا می دهد و بهترین آنها را برمیگزیند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: «مَنْ أَعْجَبَ بِحُسْنِ حَالَتِهِ قَصَرَ عَنْ حُسْنِ حِيلَتِهِ: کسی که به خوبی های خود مغرور شود، در برنامه ریزی و تدبیر دچار کوتاهی خواهد شد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳۳).

۲. طبابت معنوی

در هر جامعه برای دستیابی به اهداف خاص و انجام وظایف مشخص، سازمان هایی تشکیل می شود که هر کدام دارای سیستم و کارکرد ویژه خود هستند. در جامعه اسلامی نیز هر مسجد در

جایگاه یک سازمان معنوی منسجم عمل می‌کند که اهداف، کارکردها و سیستمی منحصر به خود دارد. برای اینکه این سازمان بتواند نقش خود را به‌درستی ایفا کند، ضروری است مدیریت آن به گونه‌ای صحیح و کارآمد انجام گیرد. در این راستا، مدیر مسجد باید با بهره‌گیری از اصول مدیریتی صحیح، بتواند کارکردهای معنوی مسجد را به بهترین نحو ساماندهی و هدایت کند تا هدف‌های روحانی و اجتماعی آن به ثمر برسد.

با توجه به اینکه مسجد تشکیلاتی الهی و مردمی است، سازماندهی آن تحت مدیریت معنوی امام جماعت و با مشارکت فعال مردم انجام می‌گیرد. امام جماعت با نفوذ معنوی خود در جایگاه رهبری الهی، در کنار مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت و نظم‌بخشی به امور مسجد ایفا می‌کند. در این فرایند، حضور و مشارکت مردم در فعالیت‌های مختلف مسجد از جمله اقامه نماز جماعت، کلاس‌های دینی و برنامه‌های اجتماعی، به تقویت این سازمان معنوی کمک می‌کند. به این ترتیب مسجد در جایگاه یک نهاد اجتماعی و دینی می‌تواند اهداف عالی خود را به گونه‌ای مؤثر و جامع دنبال

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}

کند. ارتباط میان امام جماعت و نمازگزاران باید انسانی، صمیمی و مبتنی بر محبت و اعتماد باشد. امام جماعت به مثابه مدیر معنوی مسجد و راهنمای روحانی باید مانند پزشک و پرستار در بیمارستان، مسئولیت‌های معنوی خود را با دلسوزی و توجه کامل به سلامت روحی و معنوی نمازگزاران انجام دهد.

مقام معظم رهبری با تأکید به این وظیفه مهم، می‌فرمایند: «روحانی پرهیزکار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند» (پیام رهبر معظم انقلاب به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۹/۰۷/۱۸).

دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، دوره‌ای حیاتی در شکل‌گیری شخصیت فرد است که در آن بنیان‌ها و ساختارهای شخصیتی تثبیت می‌شود. بر اساس آموزه‌های قرآن، ویژگی‌های بنیادین شخصیت انسان در این دوره سنی شکل می‌گیرد و در مراحل بعدی به تثبیت و تکامل می‌رسد. بنابراین توجه ویژه

به این دوران ضروری است؛ چراکه این دوره، زمان توسعه و بنیان‌گذاری ویژگی‌های رفتاری، ذهنی و اخلاقی افراد است. در این راستا، نقش امام جماعت به عنوان مربی و مرشد در هدایت و تربیت این گروه‌های سنی بسیار مهم است. امام جماعت باید برنامه‌ریزی دقیق و مناسبی را برای آموزش و رشد دینی و اخلاقی این افراد ارائه دهد تا بتواند به بهترین وجه در شکل‌دهی شخصیت‌های متعادل و آگاه نقشی موثر ایفا کند.

بر اساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب، امام جماعت مانند پزشک معنوی عمل می‌کند؛ از این رو باید به وضعیت هر نمازگزار توجه داشته باشد و نسخه‌ای متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای فردی آنان ارائه دهد. این نسخه‌ها از نظر گفتمانی و حساسیت اهمیت بالایی دارند؛ زیرا هر فرد شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارد که باید به‌دقت مدنظر قرار گیرد.

اگر افراد از کودکی تحت پوشش تربیتی امام جماعت قرار گیرند و این مراقبت ادامه یابد، موانع رشد آنها شناسایی و کنترل می‌شود. در صورت غیبت فرد، امام جماعت وضعیت او را پیگیری

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^ع

می‌کند تا مشکلات احتمالی شناسایی شود. این رویکرد تربیتی نسلی مؤمن و انقلابی شکل می‌دهد و آثار مثبت آن برای تمامی نمازگزاران در سنین مختلف دیده می‌شود. تحقق این هدف مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت خردمندانه و تقسیم مسئولیت‌های مؤثر است.

۳. مسجد را محل کار خود دانستن

امام جماعت در جایگاه مدیر تشکیلات و سازمان باید از نظم فکری و عملی برخوردار باشد و کار را با نظم و ترتیب خاص سروسامان دهد؛ رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «پیش‌نمازی یعنی آدم مسجد را واقعاً محل کار خودش بداند؛ قبل از وقت، حتی قبل از دیگران به آنجا برود؛ اوضاع مسجد را ببیند؛ اگر اشکالاتی در وضع ظاهری مسجد هست، برطرف کند» (۱۳۶۹/۰۷/۰۸). حضور به‌موقع امام جماعت، رسیدگی مؤثر به امور و وضعیت مسجد و توجه به مشکلات مردم آثار مثبت و عمیقی بر نمازگزاران خواهد داشت. این رویکرد نه تنها موجب تقویت اعتماد میان امام جماعت و جامعه می‌شود، بلکه افراد را به رعایت نظم و پایبندی به ارزش‌های دینی

و اجتماعی تشویق می‌کند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَوْصِيكُمْا وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ: من شما دو نفر و همه فرزندان و اهل بیت خود و هر که نامه‌ام به او می‌رسد را به تقوا الهی و نظم کارهایتان سفارش می‌کنم» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۷). امام جماعت باید برنامه‌ریزی دقیقی برای مدیریت زمان خود داشته باشد تا رسیدگی‌اش به وظایف مختلف تأثیرگذارتر باشد. حضور منظم در مسجد، تخصیص یک یا دو روز در هفته برای ایراد سخنرانی، تعیین زمان‌هایی مشخص برای اداره امور مسجد، شرکت در جلسات هیئت امنا و بسیج و ارتباط با مردم از اقداماتی است که باید در دستور کار قرار گیرد. افزون بر این، اختصاص ساعات معین برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و برقراری ارتباطات مردمی ضروری است تا نظم و کارآمدی در وظایف امام جماعت تضمین شود.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «پیش‌نماز ... (باید) سجاده‌اش را پهن نماید، منتظر مردم بماند که بیایند. با یک‌یک افرادی که می‌آیند تا آنجایی که می‌تواند تماس بگیرد به آنها محبت کند؛

**نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^ع**

از آنها احوال‌پرسی نماید؛ اگر مشکلی دارند، در آن حدی که برایش میسر است برطرف کند نه اینکه پادوی کارهای خدماتی مردم بشود - در بعضی از مساجد چنین چیزهایی وجود دارد که قطعاً غلط است - در آنجا بنشیند، مردم به او مراجعه کنند، درد دل کنند، خودش را بر مردم عرضه کند، در معرض مراجعات مردم قرار بدهد. نماز را که تمام کرد، برای مردم مسئله و تفسیری بگوید حرفی بزند و بلند شود بیرون برود؛ یعنی این‌طور، ساعتی از وقت خودش را در اینجا صرف بکند. من با روحانیونی که در یک اداره‌ای مشغول کار می‌شوند، درحالی‌که پیش‌نماز فلان مسجد هم هستند، مخالفم؛ چون یک روز در هفته، دو روز در هفته، سه روز در هفته برای اقامه نماز جماعت به مسجد نمی‌روند. می‌گوییم چرا؟ می‌گوید گرفتار شدم؛ سرم شلوغ بود. یا می‌رود نماز، ولی دیر می‌رود؛ مردم در صف جماعت منتظر نشسته‌اند؛ حالا آقا بعد از مدتی دوان‌دوان می‌آید؛ گاهی یک کیف سامسونت هم دستش است! من با این روش موافق نیستم. پیش‌نماز مسجد باید مسجد را خانه خود، جایگاه خود و اداره خود بداند؛ وقتی وارد مسجد شد،

"كَالْسَّمَكِ فِي الْمَاءِ"، "الْمُؤْمِنُ فِي الْمَسْجِدِ كَالسَّمَكِ فِي الْمَاءِ؛ مؤمن در مسجد بسان ماهی در آب است" (تستری، [بی‌تا]، ج ۲۸، ص ۶۴۸) باید باشد. احساس کند که اینجا جای اوست و عجله‌ای برای بیرون رفتن از مسجد نداشته باشد؛ این درست است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

۴. تقسیم کار و به‌کارگیری جوانان

مدیر موفق کسی است که وظایف و مسئولیت‌ها را بین افراد به‌خوبی تقسیم می‌کند و هر کار را به کسانی می‌سپارد که دارای دانش و تخصص لازم برای انجام آن هستند. واگذاری مسئولیت‌ها نه تنها به افراد کمک می‌کند برای پذیرش مسئولیت‌های بالاتر آماده شوند، بلکه موجب پرورش خلاقیت آنها نیز می‌شود؛ با این وجود زمان امام جماعت را برای رسیدگی به امور کلان آزاد می‌کند. بر این اساس امام جماعت باید امور جزئی را به دیگران به‌ویژه نسل جوان و نوجوان واگذار کند و خود به پیگیری مسائل مهم‌تر بپردازد. این رویکرد افزون بر بهره‌برداری از فکر و توان جمعی، سرعت پیشرفت و دستیابی به اهداف مطلوب را افزایش می‌دهد.

توجه خاص به جوانان و قائل‌شدن جایگاهی

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^ع

خاص برای نسل جوان از نکات مهمی است که رهبر انقلاب به ائمه جماعات توصیه کردند و فرمودند: «دل جوانان را با ایجاد جاذبه صحیح یعنی (سخن و اقدام آمیخته با معنویت و عرفان واقعی) جذب مساجد کنید تا کشور و جامعه از برکات فراوان حضور نسل جوان در مساجد بهره‌مند شود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

در بسیاری از مساجد، هر نوجوان و جوان با توجه به علایق و توانمندی‌های خاص خود می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند و ارتباط مناسبی با هم‌سن‌وسالان خود داشته باشد تا آنها را نیز به مسجد جذب نماید. این امر ممکن است خارج از توان امام جماعت باشد؛ چراکه امام جماعت به‌تنهایی قادر به انجام این مسئولیت و ایجاد چنین ارتباطاتی نخواهد بود.

معظم‌له به این ویژگی مهم امام جماعت توجه دارند و در سخنانی می‌فرمایند: «امامان محترم جماعت اگر خود بر اثر کهنولت و غیره نمی‌توانند وظیفه رابطه و انس و راهنمایی را برای نمازگزاران

معنویت و تبلیغ دینی

به‌ویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضیلتی جوان و پُرنشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود شریک سازند» (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۰/۰۶/۱۵).

همچنین ایشان با بیان اینکه «جاذبه برای جوان برخلاف آنچه بعضی تصوّر می‌کنند، گذاشتن میز پینگ‌پنگ نیست»، فرمودند: «بعضی خیال می‌کنند برای اینکه جوان‌ها را جذب کنیم به مسجدریال وسایل سرگرمی فراهم بکنیم. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفان‌های تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید؛ خواهید دید جوانان چطور مجذوب می‌شود و می‌آید. جاذبه جوان در مسجد اینهاست؛ وَاَلاَ حالا یک وسیله بازی هم آنجا فراهم کردیم، گذاشتیم حُب اگر بنا است برای بازی بیاید؛ برود در باشگاه بازی کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

نتیجه

این پژوهش با بررسی جایگاه امام جماعت در مدیریت معنوی و اجتماعی مساجد، نقش کلیدی این مسئولیت را در هدایت اخلاقی، تربیتی و

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^ع

ارتباطی جامعه برجسته کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌هایی شخصیتی و راهبردی همچون شرح صدر، حسن خلق، انتقادپذیری و مدیریت کارآمد در تقسیم وظایف میان اعضای مسجد از الزامات موفقیت امام جماعت در ایفای این نقش به شمار می‌روند. همچنین تأکید بر مشارکت نسل جوان در امور مسجد و تربیت آنان در بستر ارزش‌های دینی، تأثیری عمیق بر تقویت انسجام اجتماعی و انتقال فرهنگ اسلامی دارد. این نتایج بر اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و آموزش ائمه جماعات برای مواجهه با چالش‌های پیش‌رو تأکید می‌کند. از آنجاکه مساجد نقشی محوری در توسعه اجتماعی و معنوی جوامع اسلامی ایفا می‌کنند، یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنایی برای بهبود برنامه‌های آموزشی و مدیریتی در این زمینه استفاده شود.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، جنبه‌های کمی این موضوع با بررسی تأثیر اقدامات ائمه جماعات بر شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه به‌ویژه در نسل‌های جوان‌تر ارزیابی شود. همچنین مطالعه تطبیقی میان الگوهای مدیریت

معنوی در مساجد کشورهای مختلف اسلامی می‌تواند به غنای پژوهش‌های مرتبط کمک کند.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌شعبه حرانی، علی بن شعبه، *تحف العقول*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

۲. تستری، قاضی نورالله، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.

۵. خامنه‌ای، سیدعلی، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، قم: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۷ ش.

۶. خمینی، روح‌الله، *توضیح المسائل*، تنظیم و گزینش: کمال‌الدین خُدّامی، قم: انتشارات شفق، ۱۳۸۳ ش.

۷. سیدرضی، *نهج‌البلاغه*، تصحیح: صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.

نقش امام جماعت در ترغیب به حضور مردم در نماز جماعت و مسجد
با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری^{علیه السلام}

۸. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۶ ش.

۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۱۰. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، قم: نشر اُسوه، [بی‌تا].

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

۱۲. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.

۱۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ در:

<https://www.leader.ir/fa>